



فائزده احضار شد

تشکیل پرونده قضایی برای فائزه هاشمی



در قلب ریاض

بررسی سفر احمدالشرع به ریاض



دانایی سینمایی

اصغر فرهادی از ناصر تقوایی گفت



سرمایه‌ها را تخریب نکنید

دفاع محمد عطریان‌فر
از حسن روحانی و محمدجواد ظریف

یادداشت روز

برابری عقاب واژدها

درباره رقابت آمریکا و چین در میدان آسیا

سیدجلال ساداتیان

دیپلمات پیشین ایران در انگلیس

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، به تازگی تور آسیایی خود را آغاز کرده و سفر به کشورهایی چون مالزی، ژاپن و کره جنوبی را در دستورکار خود قرار داده است. این سفر بیش از یک سفر دیپلماتیک ساده است؛ ترامپ درصدد است، برتری آمریکا را در عرصه اقتصادی و ژئوپلیتیکی تثبیت کند و رقبای قدرتمندش به ویژه چین را مهار نماید. چین با رشد اقتصادی چشمگیر خود و تلاش برای جایگزینی دلار در معاملات بین‌المللی به عنوان رقیب اصلی آمریکا شناخته می‌شود و ترامپ می‌خواهد از طریق این سفر، موقعیت ایالات متحده را در مقابل این تهدید تقویت کند.

تمرکز اصلی ترامپ در این سفر، مسائل اقتصادی است. او به دنبال بازسازی توازن اقتصادی جهانی است و می‌خواهد از فرصت‌های موجود برای کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدهای آمریکا استفاده کند. شعار معروف او «آمریکا اول» نه تنها در عرصه داخلی بلکه در سیاست خارجی و برنامه‌های اقتصادی بین‌المللی نیز نمود پیدا می‌کند. هدف ترامپ این است که با مدیریت دقیق منابع، ایجاد سیستم‌های کارآمد و تعامل با متحدان کلیدی، برتری مطلق اقتصادی آمریکا را بازگرداند و جایگاه خود را در عرصه جهانی تثبیت کند. یکی از محورهای مهم این استراتژی، تقویت روابط با متحدان سنتی آمریکا در آسیاست. ژاپن و کره جنوبی، دو اقتصاد بزرگ منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و ترامپ تلاش می‌کند این پیوندها را مستحکم کند. وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشورها به ترامپ امکان می‌دهد هم در بعد دفاعی و هم در بعد اقتصادی، حضور قوی‌تری داشته باشد. در کنار این، فعالیت‌های او در خاورمیانه و توجه به مسائل اروپا و روسیه، نشان‌دهنده این است که ترامپ درصدد است تمام جبهه‌های ژئوپلیتیکی را مدیریت کرده و هرگونه تهدید احتمالی را به حداقل برساند. بازارهای آسیایی و رقابت با چین بخش دیگری از تمرکز ترامپ را تشکیل می‌دهند. اقتصاد آمریکا و چین به شدت با یکدیگر درهم تنیده است؛ کالاهای چینی سهم قابل توجهی در بازارهای آمریکایی دارند و سرمایه‌گذاری‌های مشترک متقابل گسترده است. ترامپ می‌کوشد با سیاست‌های تجاری هوشمندانه، این رقابت پیچیده را مدیریت کند و برتری اقتصادی آمریکا را بازابد. تایوان، با داشتن تکنولوژی پیشرفته و تراشه‌های بسیار ریز و با ارزش، از نقاط کلیدی این رقابت است. آمریکا با توجه به ارزش استراتژیک و اقتصادی تایوان می‌خواهد هم از نظر اقتصادی و هم از نظر ژئوپلیتیکی جایگاه خود را تقویت کند. با وجود رقابت‌های شدید، روابط دیپلماتیک بین قدرت‌های بزرگ همواره فعال است. ترامپ و چین هرچند در عرصه اقتصادی رقابت دارند اما کانال‌های گفت‌وگو و تعاملات رسمی و غیررسمی همواره باز است. برنامه‌های توسعه اقتصادی چین از جمله پروژه «جاده کمربندی»، نشان می‌دهد که بسیاری از حوزه‌های سنتی نفوذ آمریکا در حال تغییر هستند و هر حرکت آمریکا نیازمند دقت و استراتژی هوشمندانه است. ترامپ تلاش دارد با مدیریت این پیچیدگی‌ها، موقعیت آمریکا را در منطقه و جهان تقویت کند. سفر ترامپ به آسیا همچنین نشان‌دهنده تمرکز او بر ایجاد امنیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی برای ایالات متحده است. با تثبیت روابط با متحدان و حضور فعال در بازارهای آسیا ترامپ می‌کوشد، تهدیدات احتمالی را مهار کرده و با استفاده از قدرت اقتصادی، دیگر کشورها را به اجرای سیاست‌های آمریکا ترغیب کند. در کنار این، مسائل جهانی مانند اوکراین و روابط با روسیه نیز بخش مهمی از برنامه‌های ترامپ را تشکیل می‌دهند؛ او تلاش می‌کند، اختلافات را مدیریت کرده و با ایجاد توازن، منافع آمریکا را در سراسر جهان تأمین کند.

در نهایت، تور آسیایی ترامپ بیش از یک سفر رسمی است؛ این حرکت، نمایش قدرت و برنامه‌ریزی دقیق برای بازسازی موقعیت آمریکا در جهان است. ترامپ با تمرکز بر اقتصاد، ژئوپلیتیک و مدیریت رقابت با چین، تلاش می‌کند آمریکا را به جایگاه پیش‌تاز جهانی بازگرداند و نفوذ خود را در مناطق کلیدی جهان تثبیت کند. این سفر علاوه بر اهداف اقتصادی، حامل پیامی قوی درباره حضور و نفوذ ایالات متحده در نظم جهانی است و نشان می‌دهد که آمریکا، تحت رهبری ترامپ، قصد ندارد به سادگی جایگاه خود را در عرصه جهانی واگذار کند.

دست‌پخت بد

دولت برای برنج، ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی تخصیص داده تا این محصول نهایتاً با قیمت کیلویی ۷۰ هزار تومان به دست مردم برسد، اما چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد و قیمت مرتباً افزایش می‌یابد، تا جایی که اکنون به مرز کیلویی ۴۰۰ هزار تومان رسیده است. سازندگی بررسی می‌کند که چرا ارز ترجیحی برنج به هدف نمی‌رسد و چه دست‌هایی پشت پرده این آشفتگی قرار دارد؟



سعید مشهوری

گروه اقتصاد

می‌گویند، برنج باید با ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و قیمت ۷۰ هزار تومان به سفره مردم برسد اما پشت و بترین مغازه‌ها، اعداد سه رقمی روی کیسه‌ها برق می‌زنند: ۲۵۰، ۳۰۰ و حتی ۴۰۰ هزار تومان. شکاف میان تصمیم و واقعیت، همان فاصله آشنا میان اتاق‌های سیاست‌گذاری و کف بازار است؛ جایی که «یارانه» نه به مصرف‌کننده بلکه به حلقه‌های

پنهان زنجیره واردات و توزیع می‌رسد. این همان تهدیدگ سیاست‌گذاری ایرانی است که خوش‌رنگ است اما در اجرا سوخته. در روزهای اخیر، بار دیگر بحث تخصیص ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی به‌ویژه برنج به یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوهای اقتصادی در کشور تبدیل شده است. رئیس سازمان برنامه و بودجه اخیراً گلایه کرده که

دولت ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی برای واردات برنج اختصاص داده اما در واقعیت برنج با قیمتی بسیار در بازار عرضه می‌شود. دولت هزینه را داده اما مردم بهره‌ای از آن نمی‌برند. این سخن به‌روشنی از وجود اشکال ساختاری در نظام تخصیص ارز و سیاست‌گذاری قیمتی کشور حکایت دارد. اما مشکل کجاست؟

| ادامه در صفحه ۶

در بازارهای شلوغ تهران، کیسه‌های برنج روی هم تلنبار شده‌اند؛ کیسه‌هایی با نام‌های هندی، پاکستانی و طارم اما قیمت‌ها از واقعیت سیاست‌گذار جدا افتاده‌اند. دولت

گزارش سیاسی

فائزده احضار شد

برای فائزه هاشمی
پرونده قضایی تشکیل شد



گروه سیاسی: مرکز رسانه قوه قضائیه اعلام کرد که انتشار ادعای فائزه هاشمی که در مصاحبه با یک رسانه مطرح شده، تشکیل پرونده قضایی برای او ساعاتی پس از انتشار محتوا را به همراه داشت. طبق اعلام این مرکز، روز سه‌شنبه ادعای فائزه هاشمی در فضای مجازی منتشر شد که بلافاصله پس از انتشار این ادعا در فضای مجازی طی همان روز برای نامبرده پرونده قضایی تشکیل شد. در ادعای مطرح شده، او روایتی غیررسمی از فوت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را مطرح کرده که به همین علت، مقام قضایی علیه وی تشکیل پرونده داده و نامبرده برای ادای توضیحات به دادگاه فراخوانده شده است.

این در حالی است که در جلسه علنی روز گذشته مجلس نیز حمید رسایی، نماینده تهران، نطق تنیدی علیه فائزه هاشمی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات ایراد کرد. وی به اظهارات اخیر فائزه هاشمی درباره پدرش، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، اشاره کرد و از قوه قضائیه خواست با او برخورد قضایی انجام دهد. رسایی گفت: «دیروز فائزه هاشمی ادعا کرده، پدرم توسط داخلی‌ها کشته شده، دو سال قبل هم خواهرش چنین ادعایی مطرح کرده بود. من کار به ادعای بچه‌های آقای هاشمی ندارم، ادعا زیاد کرده‌اند. دادستان محترم اگر دو سال پیش بررسی کرده بودید، امروز این ادعا تکرار نمی‌شد. چرا در دهان اینها زده نمی‌شود. چرا جمهوری اسلامی، متهم به انواع و اقسام موارد می‌شود اما چون از یک خانواده خاص هستند، کسی رسیدگی نمی‌کند. مگر قانون اساسی نگفته همه با هم برابر هستند. اگر با این افراد امروز برخورد نشود فردا فرزندان‌شان و پس فردا نوه و نتیجه‌های‌شان این‌طور نظام را متهم می‌کنند».

رسایی همچنین در سخنان خود با اشاره به توثیتی از آذر منصوری، او را به «وادادگی سیاسی» و «الگوگیری از خیانت تاریخی» متهم کرد و گفت: «برخی رسانه‌ها از یک جریان واداده، تیتز زده‌اند که اینجا مجلس روسیه شده، مجلس را متهم به روس‌گرایی کردند. در عین حال به سرکوب‌گران روس در تاریخ ایران اشاره کردند و الگوی خودشان قرار دادند.

یک خانم سگ‌بازی توثیت زندک که لیاخوف فقط یک اسم در تاریخ ایران نیست. بله لیاخوف، نماد خیانت واداده‌های داخلی بود. نماد توسل خائنین به دخالت خارجی بود. این نماد شایسته کیست؟ اگر امروز با اینها برخورد قضایی نشود، فردا فرزندان اینها دم درمی‌آورند! دادستان محترم چرا برخورد نمی‌کنید؟» صرف‌نظر از اختلاف دیدگاه‌های سیاسی، انتظار افکار عمومی از نمایندگان مجلس همواره حفظ شأن گفت‌وگو و رعایت ادب سیاسی بوده است. امروز اما فضای صحن علنی گاه با اظهارات تند و شخصی رویه‌رو می‌شود که فاصله‌ای آشکار با گذشته و استانداردهای گفت‌وگو در مجلس ایجاد کرده است. در فضای کنونی جامعه چنین اظهاراتی بیش از آنکه به روشن شدن حقیقت کمک کند، می‌تواند به دو قطبی و بی‌اعتمادی بیشتر میان نیروهای سیاسی منجر شود. آذر منصوری و فائزه هاشمی از جمله چهره‌هایی هستند که با وجود انتقادات‌شان به عملکرد حاکمیت همواره در چارچوب گفت‌وگو و اصلاح ساختارها سخن گفته‌اند. حمله به این چهره‌ها آن هم از سوی نماینده‌ای که در کارنامه‌اش انتقاد از سردار سلیمانی و تقدیر از تلو به چشم می‌خورد و نیز تبدیل نقد به اتهام و تحقیر، نه به نفع گفت‌وگوست و نه به سود اعتبار مجلس. در چنین شرایطی به‌جای برخوردهای تند و شخصی، انتظار می‌رود فضای تعامل، نقد سازنده و تحمل متقابل میان جریان‌های سیاسی تقویت شود تا اعتماد عمومی نسبت به کارکرد نهادهای رسمی نیز افزایش یابد.

سرمایه‌ها را تخریب نکنید

دفاع محمد عطریان‌فر از حسن روحانی و محمدجواد ظریف پس از هجمه به آنها در مجلس

گروه سیاسی: در پی سخنان جنجالی محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و برخی نمایندگان درباره نقش حسن روحانی و محمدجواد ظریف در روابط ایران و روسیه، محمد عطریان‌فر، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی در گفت‌وگویی با خبرآنلاین ضمن انتقاد از لحن و محتوای این اظهارات، آن را «غیراخلاقی و غیراصولی» خواند و تأکید کرد که چنین مواضعی «به جای تحکیم وحدت ملی، بذرتفرقه و تدروی می‌کارد». او با تأکید بر اینکه روحانی و ظریف، سرمایه‌های مدیریتی و دیپلماتیک کشور هستند، هشدار داد که «تخریب چهره‌های ملی» به سود هیچ جناحی نخواهد بود.

انتقاد از «نقد غیرحقوقی و غیراخلاقی» رئیس مجلس

عطریان‌فر در ابتدای گفت‌وگو با تأکید بر احترام شخصی خود به قالیباف، خاطرنشان کرد: «من برای آقای قالیباف احترام قائلم اما نقد غیرحقوقی و غیراخلاقی ایشان به آقای روحانی، آن هم از جایگاه ریاست مجلس را نمی‌پسندم». او افزود که رئیس مجلس به‌عنوان یکی از ارکان حاکمیت باید بیش از هر کس، مراقب لحن و حدود سخنان خود باشد زیرا مردم هر موضعی را از زبان او، موضع کل نظام تلقی می‌کنند. به گفته او، «وقتی رئیس مجلس از تریبون رسمی به چهره‌های سیاسی پیشین حمله می‌کند این تصور پیش می‌آید که این سخنان با هماهنگی نهادهای بالادستی است در حالی که چنین نیست». عضو شورای مرکزی کارگزاران با رد ادعای تأثیرسخنان روحانی و ظریف بر روابط تهران و مسکو گفت: «مرجعی که می‌تواند تعیین کند آیا روابط ایران با کشوری مانند روسیه تضعیف شده یا خیر، نه رئیس مجلس است و نه هیچ نماینده‌ای. این وظیفه نهاد دیپلماتیک و مهم‌تر از آن، شورای عالی امنیت ملی است». به اعتقاد او، طرح چنین اتهاماتی از تریبون رسمی نه‌تنها فاقد پشتوانه حقوقی است بلکه به وجهه سیاست خارجی کشور نیز آسیب می‌زند.

عطریان‌فر با اشاره به شعارهای نمایندگان علیه رئیس و وزیر خارجه پیشین، رفتار تند آنها را «بیشتر نوعی انتقام‌گیری سیاسی» دانست و گفت: «مگر آقایان ظریف و روحانی چه گفته‌اند؟ کسانی که در گذشته با رویکرد اصلاح‌طلبانه با اعتدالی روحانی و ظریف مخالف بوده‌اند اکنون با تحریف سخنان آنان تلاش می‌کنند، ذهن جامعه را مشوش کنند». او هشدار داد در شرایطی که کشور نیازمند همبستگی و انسجام ملی است، حمله به چهره‌های برجسته نظام، خلاف مصلحت کشور است. این چهره اصلاح‌طلب با تمجید از توانایی‌های محمدجواد ظریف، وزیر خارجه دولت روحانی اظهار کرد: «در طول ۴۵ سال گذشته، فردی به توانمندی، هوشمندی و اشراف ظریف در عرصه دیپلماسی نداشته‌ایم. او پدیده‌ای حرفه‌ای و کم‌نظیر در سیاست خارجی ایران است که حتی وزرای پیشین مانند آقایان ولایتی، خراز و صالحی نیز به برجستگی‌اش اذعان دارند». عطریان‌فر

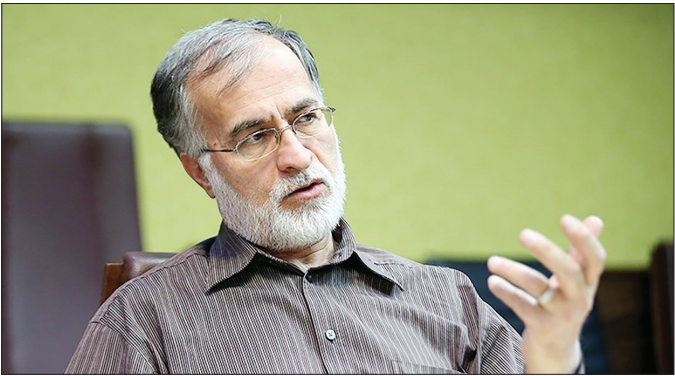
انتخابات

در مسیر تناسبی شدن

مدل برگزاری انتخابات تغییر می‌کند

گروه سیاسی: اردیبهشت سال آینده، تهران شاهد نوعی تازه از انتخابات شوراها خواهد بود؛ در مدل تناسبی، دیگر برنده اصلی همه کرسی‌ها را تصاحب نمی‌کند بلکه هر حزب و گروه به اندازه رأیی که می‌گیرد در شورا سهم خواهد داشت. تغییری که وزارت کشور از آن به‌عنوان گامی مهم در مسیر تحزب‌گرایی و توسعه سیاسی یاد می‌کند. به گفته سیدمرتضی محمودی، سخنگوی کمیسیون شوراها در مدل جدید انتخابات به جای انتخاب افراد بر پایه بیشترین رأی (روش حداکثری) رأی‌دهی بر اساس فهرست‌ها انجام می‌شود. در این شیوه هر فهرست متشکل از ۲۱ نامزد است و نام هیچ فردی نمی‌تواند در بیش از یک فهرست تکرار شود. پس از شمارش آرا نیز درصد رأی هر فهرست نسبت به کل آرا تعیین‌کننده سهم آن از کرسی‌های شورای شهر خواهد بود؛ مثلاً اگر فهرستی ۴۰ درصد آرا را به دست آورد ۴۰ درصد کرسی‌های شورا را کسب می‌کند. محمودی، هدف از این تغییر را افزایش عدالت در توزیع کرسی‌ها و فراهم کردن فرصت حضور برای نخبگان و چهره‌های متخصص می‌داند که در شیوه سنتی معمولاً زیر سایه فهرست‌های سیاسی قرار می‌گرفتند. به گفته او در این نظام حتی نامزدهای مستقل نیز به عنوان یک فهرست واحد محاسبه می‌شوند و بر اساس مجموع آرای خود

تجربه موفق ظریف در برجام را شهادی بر توانمندی او دانست و گفت که «در مقایسه با عملکرد او، تهمت‌هایی که این روزها مطرح می‌شود بیشتر از سر ضعف و کینه‌توزی است». عطریان‌فر در ادامه به نقش تاریخی حسن روحانی در ساختار قدرت اشاره کرد و گفت: «روحانی از آغاز انقلاب در حساس‌ترین جایگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی و استراتژیک حضور داشته است. هر زمان شخصیتی چون مقام معظم رهبری یا جناب آقای هاشمی‌رفسنجانی و یا جناب آقای خاتمی در فرآیند پیشبرد اهداف و منویات نظام از موضع دولت دچار بحران یا بن‌بست می‌شدند به آقای روحانی پناه می‌بردند و او بود که با حزم و تدبیر همواره راهگشا بود و خط مقدم را به‌گونه‌ای ترسیم می‌کرد که دغدغه‌ها و نگرانی‌های بزرگان را مرتفع می‌ساخت». او با انتقاد



از کسانی که به چنین شخصیتی حمله می‌کنند، افزود: «درک این مساله دشوار است که چگونه فردی با چنین پیشینه‌ای، هدف حملات تند و بی‌پایه قرار می‌گیرد».

ضرورت رعایت اخلاق سیاسی

عطریان‌فر در بخش دیگری از گفت‌وگو تصریح کرد که مسئولان کشور باید بیش از هر زمان دیگری بر حفظ اخلاق سیاسی اصرار ورزند و ادامه داد: «کسانی که بنا به اتفاق- آن هم اتفاقی که دست برقضا از پشتیبانی اکثریت مردم برخوردار نیستند- موقعیتی پیدا کرده و وارد نهادهای مسئول و قانون‌گذار شده‌اند باید پاسخ دهند که اخلاق سیاست را کجا رعایت می‌کنند؟» او گفت که از قالیباف انتظار داشته به‌عنوان رئیس پارلمان در برابر نمایندگانی که به گفته او «بی‌ادب و نوکیسه» هستند و از تریبون مجلس برای فحاشی به شخصیت‌های نظام استفاده می‌کنند، موضع بگیرد و مانع از تکرار چنین رفتارهایی شود» و پرسید که «چه کسی بهتر از آقایان ظریف و روحانی به صورت هوشمند و حرفه‌ای می‌تواند درباره رفتار ابرقدرت‌ها که دارای حق وتو در سازمان ملل هستند اظهارنظر کند؟ چه کسی مناسب‌تر است که درباره رفتار آنها در طول دو دهه اخیر که درگیر مباحث هسته‌ای بودیم، نظر بدهد؟»

عطریان‌فر در بخش دیگری از سخنانش، رفتارهای افراطی را «سم مهلک سیاست» دانست و گفت: «کسانی که در

برابر مواضع منطقی افرادی چون روحانی و ظریف مقاومت می‌کنند همان جریان‌های تدری هستند که بارها در پیشگاه رأی ملت شکست خورده‌اند». وی تصریح کرد که تدروها برای سرکوب مخالفان، دیگران را غیرمنطقی متهم می‌کنند اما حتی عقلای جریان اصولگرا نیز رفتارهای افراطی و بی‌ادبانه این تازه‌واردهای سیاسی را تأیید نمی‌کنند. به گفته او، روحانی نماد اعتدال و عقلانیت در کشور و ادامه‌دهنده مسیر مدیریتی موفق دوران سازندگی و اصلاحات (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴) بود؛ دوره‌ای که شاخص‌های سیاسی و اقتصادی در اوج خود قرار داشت. عطریان‌فر در مقابل، دولت احمدی‌نژاد را «پدیده‌ای ناموجه» خواند که کشور را ۸ سال به عقب برد و آثار منفی آن هنوز باقی است. به گفته او، روحانی با اتکا به تدبیر و حمایت مردم، توانست در دولت نخست خود با رویکردی اصلاح‌طلبانه بار دیگر آن دوران طلایی توسعه را احیا کند.

مقایسه عملکرد اقتصادی دولت‌ها

عطریان‌فر در بخش اقتصادی گفت‌وگو با استناد به آمار رسمی تورم، عملکرد دولت‌های مختلف را مقایسه کرد و یادآور شد: «نرخ تورم در آخرین سال دولت احمدی‌نژاد ۳۵ درصد بود اما در دولت اول روحانی به سرعت کاهش یافت؛ سال ۹۳ به ۱۵ درصد، سال ۹۴ به ۱۱ درصد، سال ۹۵ به ۸ درصد و سال ۹۶ به ۷ درصد رسید». به گفته او، دوران نخست روحانی «دوره امیدآفرین و بازگشت

به مسیر توسعه» بود اما در دولت دوم به دلیل خروج آمریکا از برجام و تحریم‌های گسترده، شرایط اقتصادی کشور دچار آسیب شد. او افزود: «با این حال حتی در آن دوره نیز تورم از سطح کنونی بسیار پایین‌تر بود. امروز نرخ تورم به بالای ۵۰ درصد رسیده و این نشان می‌دهد، مدیریت فعلی اقتصادی کشور از توازن خارج شده است».

عطریان‌فر تأکید کرد که مردم ایران به خوبی آثار رویکردهای مدیریتی را در زندگی خود حس می‌کنند و به همین دلیل «اجازه نخواهند داد، کشور دوباره در دستان تدروها گرفتار شود». او گفت: «حتی اگر تدروها بتوانند تمام شخصیت‌های پیشین که در اداره کشور مؤثر بودند را در این هیاهوها از صحنه خارج کنند، جامعه باز هم به افراد تدریو، اقبالی نشان نخواهد داد و باز هم نیروهای معتدل و جوان‌تر جایگزین خواهند شد».

در پایان گفت‌وگو، عطریان‌فر با وجود تأکید دوباره بر احترام شخصی خود به قالیباف، او را فاقد گفتمان روشن سیاسی دانست و گفت: «کسی که در موقعیت ریاست یکی از قوای کشور قرار دارد باید دارای درک و تحلیل روشن از آینده و بحران‌ها باشد. اظهارنظرهای احساسی و شخصی از شأن ریاست مجلس می‌کاهد و تصویر فردی ناتوان در فهم سیاسی ارائه می‌دهد». او در توصیه‌ای مستقیم خطاب به قالیباف گفت: «آقای قالیباف باید هوش و حواس سیاسی خود را واریس کند و در اظهارنظرها تأمل بیشتری به خرج دهد تا سخنانش به سود تدروها تمام نشود».

که این شیوه باعث افزایش رقابت سالم و مشارکت مردمی می‌شود چون هر جریان برای کسب سهم بیشتر در شورا تلاش می‌کند. آنها همچنین انتخابات تناسبی را «گامی به سوی تقویت نقش احزاب و افزایش مشارکت» می‌دانند.

اما در کنار مزایا، کارشناسان به ضعف ساختار حزبی در ایران هم اشاره می‌کنند. آنها تأکید می‌کنند که گرچه بیش از ۲۰۰ حزب و تشکل سیاسی در کشور ثبت شده اما بیشترشان فقط روی کاغذند و فعالیت جدی ندارند. مردم هم معمولاً به چهره‌های شناخته شده، رأی می‌دهند نه به نام حزب‌ها. به همین دلیل موفقیت این طرح تا حد زیادی به اعتماد عمومی و آموزش درست وابسته است. برخی هم معتقدند که این مدل ممکن است باعث شود، افراد با رأی کمتر به شورا راه پیدا کنند فقط چون در فهرست حزبی بوده‌اند. برای همین نیاز به اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی گسترده احساس می‌شود تا رأی‌دهندگان بدانند دقیقاً این سیستم چطور عمل می‌کند. همچنین عده‌ای معتقدند که بهتر بود این مدل انتخابات، ابتدا در یک استان کوچک اجرا می‌شد و در صورت موفقیت به شهرهای بزرگ می‌رسید. با این حال بیشتر تحلیل‌گران، اجرای این طرح را آغاز یک تحول در سیاست ایران می‌دانند چون با تناسبی شدن انتخابات هم شوراها نماینده طیف‌های بیشتری از مردم می‌شوند و ترکیبی متنوع از سلاقی و دیدگاه‌ها در مدیریت شهر شکل می‌گیرد، هم احزاب ناچارند مسئولانه‌تر و پاسخگوتر رفتار کنند. از این رو اگر این تجربه در تهران موفق باشد شاید بتوان گفت، ایران وارد مرحله تازه‌ای از مردم‌سالاری و تحزب واقعی خواهد شد.

در قلب ریاض

احمد الشرع، رئیس‌جمهور روسیه به دیدن محمد بن سلمان رفت

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



سفر رئیس‌جمهور سوریه احمد الشرع به عربستان سعودی در روز سه‌شنبه در ظاهر بر محور بازسازی اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری در کنفرانس ابتکار سرمایه‌گذاری آینده (FII) متمرکز است اما در واقع حامل پیامدهای ژئوپلیتیکی و دیپلماتیک عمیقی است. این سفر در حالی انجام می‌شود که سوریه تلاش می‌کند پس از سال‌ها انزوا، جایگاه خود را در جهان عرب و جامعه بین‌المللی بازسازی کند. الشرع با این سفر می‌کوشد، پیامی روشن بفرستد که سوریه دیگر کشوری منزوی و وابسته نیست بلکه در حال بازتعریف سیاست خارجی و اقتصادی خود است. این سومین سفر او به ریاض از زمان به قدرت رسیدنش است؛ سفری که نشانه‌ای از تقویت شراکت راهبردی میان دمشق و عربستان محسوب می‌شود. ریاض اکنون با تکیه بر منابع مالی عظیم خود نقش محوری در شکل‌دهی به «سوریه‌نو» ایفا می‌کند. دولت سوریه می‌داند که بدون سرمایه‌گذاری عربی، مسیر بازسازی دشوار خواهد بود؛ از همین رو پروژه‌هایی در حوزه انرژی، زیرساخت، گردشگری و کشاورزی

دیدگاه: یادداشت خارجی

۱۰۲ سالگی جمهوری

هنوز صدای مردمش را می‌شنود؟

محمدعلی دستمالی

کارشناس حوزه ترکیه



۱۰۲ سال از تأسیس نخستین جمهوری خاورمیانه سپری شد. این جمهوری، حالا در خاورمیانه و در مقایسه با کشورهای منطقه چه موقعیتی دارد و تا چه اندازه به «جمهور» و خواست آنان بها می‌دهد؟ آیا قدیمی‌ترین جمهوری منطقه، الزاماً پیشروترین هم هست یا احیاناً دچار عقبگرد و افول شده است؟

به عقب بازگردیم. جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ به دست مصطفی کمال و هم‌قطاران او تشکیل شد و به این ترتیب، یک نظام جمهوری، جای امپراتوری مبتنی بر محوریت نقش پادشاه- خلیفه را گرفت و «رئیس‌جمهور» همه کاره شد. مجلس مبعوثان و بها دادن به تفکیک قوا و جایگاه مجلس، در همان آغاز راه، مورد توجه قرار گرفت. اما یادمان باشد که مصطفی کمال، هم‌زمان با تأسیس نظام جدید، یک حزب یگانه به نام «حزب جمهوری خلق» (OHP) تأسیس کرد و کشور تا سال ۱۹۵۰ میلادی به شکل تک حزبی اداره می‌شد. در آن دوران، خود مصطفی کمال که بعدها لقب آتاترک را بر خود نهاد، همراه با نخست‌وزیر عصمت اینونو، حرف اول و آخر را می‌زدند. پس جمهوری ترکیه با مصادیق ساختار دموکراتیک، نظام حزبی و انتخاباتی نه ۱۰۲ سال بلکه ۷۵ سال عمر دارد. با این حال، گام‌های دوران جدید را به درستی برداشت و در نخستین انتخابات نظام چندحزبی اتفاقا مخالفین حزب جمهوری خلق به قدرت رسیدند و عامل جابه‌جایی قدرت «رأی مردم» بود. این سنت تا امروز هم ادامه یافته و جمهوری ترکیه با وجود کاستی‌های بسیار هنوز هم به اراده مردم و رأی آنها پایبند است.

در روزگار اکنون و در سال ۲۰۲۵ میلادی، ماهیت نظام جمهوری در ترکیه با تغییرات مهمی روبه‌رو شده است. به‌عنوان مثال حالا ترکیه نیز همچون دیگر کشورهای خاورمیانه، اعتنای چندانی به «اصل تفکیک قوا» ندارد. در نظام جدید ریاستی، اردوغان با اختیارات گسترده و بدون سیستم چک بالانس عملا به عنوان یک کنشگر تمامیت‌خواه و تکرر، قوه قضائیه و قوه مقننه را نیز تا حد زیادی به تبیت از خواسته‌ها و تصمیمات خود درآورده است. جمهوری ترکیه، که روزگاری مهد رسانه‌های آزاد و مستقل بود حالا همچون گذشته نیست و نویسندگان و منتقدین به راحتی دستگیر و زندانی می‌شوند، شهرداران وابسته به احزاب مخالف با اتهامات واهی به آسانی زندانی می‌شوند، رئیس‌جمهور در تعیین مسیر سیاست خارجی و حتی سیاست‌های پولی- مالی به



اصلی پیش‌روی برنامه‌های الشرع به شمار می‌روند. با این حال او امیدوار است، حمایت مالی و سیاسی عربستان بتواند نقطه آغاز فصل تازه‌ای از بازسازی و آشتی منطقه‌ای باشد. رسانه‌های دولتی سوریه سفر ریاض را به‌عنوان «بازگشت سوریه به جهان عرب» توصیف می‌کنند، در حالی که تحلیل‌گران غربی آن را تلاشی محتاطانه برای فاصله گرفتن از تهران می‌دانند. در مجموع، سفر احمد الشرع به ریاض بیش از آنکه صرفاً یک دیدار اقتصادی باشد، تلاشی هماهنگ برای بازتعریف جایگاه سوریه در نظم جدید خاورمیانه است. آینده این کشور اکنون بیش از هر زمان دیگری به روابط مالی و سیاسی خارجی گره خورده است. ریاض، سوریه را فرصتی برای تقویت نفوذ منطقه‌ای خود می‌بیند و دمشق نیز عربستان را در یچه‌ای به سوی بازسازی و عادی‌سازی روابط با غرب، موفقیت یا شکست این راهبردی می‌تواند، مسیر آینده سوریه و توازن قدرت در خاورمیانه را تعیین کند.

اروپا

اژدر هسته‌ای روسیه آزمایش شد

هشدار صریح پوتین به اوکراین

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از آزمایش موفقیت‌آمیز اژدر خودران هسته‌ای «پوسایدون» خبر داد و آن را دستاوردی بی‌سابقه در تاریخ تسلیحات روسیه توصیف کرد. او در دیدار با سربازان مجروح ارتش در مسکو گفت این آزمایش روز سه‌شنبه انجام شده و نشانگر پیشرفت چشمگیر صنایع دفاعی روسیه است. به گفته پوتین، اژدر «پوسایدون» مجهز به نیروی پشران هسته‌ای است و برای نخستین بار از زیردریایی حامل خود پرتاب شده است. این اژدر توانایی حرکت در اعماق زیاد با سرعت بالا را دارد و به ادعای کرملین هیچ سامانه دفاعی در جهان قادر به رهگیری آن نیست. همچنین گفته می‌شود در صورت استفاده، می‌تواند امواج عظیم رادیواکتیو در آب‌های اقیانوس ایجاد کرده و شهرهای ساحلی را غیرقابل سکونت کند. پوتین این سلاح را قوی‌تر از موشک قاره‌پیمای «سرمت» دانست و افزود که قدرت تخریب و برد آن بی‌رقیب است. او همچنین اعلام کرد، موشک سرمت به‌زودی وارد خدمت رزمی می‌شود. این در حالی است که روسیه هفته گذشته نیز آزمایش موشکی هسته‌ای برگزار کرده و موشک کروز هسته‌ای «پوروستنیک» را با موفقیت آزمایش کرده بود. پوتین یادآور شد که برنامه ساخت سلاح‌های پوسایدون و پوروستنیک پاسخی به اقدامات ایالات متحده و خروج یکجانبه واشنگتن از پیمان موشک‌های ضدبالستیک در سال ۲۰۰۱ و گسترش ناتو است. رئیس‌جمهور روسیه در بخش دیگری از سخنان خود به جنگ اوکراین پرداخت و گفت، نیروهای روسیه در تمامی محورهای عملیاتی در حال پیشروی هستند و ابتکار عمل در میدان نبرد در دست مسکو است. او همچنین اظهار کرد، روسیه آماده است خبرنگاران داخلی و خارجی را برای بازدید از مناطق محاصره شده از جمله کوپیانسک و کراسنوارمیسک دعوت کند تا واقعیت‌های میدانی را از نزدیک مشاهده کنند. پوتین تأکید کرد، هدف روسیه تضمین امنیت بلندمدت و تثبیت موقعیت ژئوپلیتیکی خود است. پوتین تصریح کرد: رهبری سیاسی اوکراین باید در مورد سرنوشت شهروندان خود که در محاصره هستند، تصمیم بگیرد.



هر حوزه بی‌ربطی به عالم سیاست می‌آیند و رأی کسب می‌کنند، در ترکیه کار به این آسانی پیش نمی‌رود و حزب، بزرگ‌ترین میدان برای رشد کادرها، کارگزاران، شهرداران و رهبران سیاسی است. انتخابات: بدون تعارف باید گفت؛ هیچ کشوری در خاورمیانه از حیث نظام انتخاباتی به گرد پای جمهوری ترکیه نمی‌رسد. «هیأت عالی انتخابات» (YSK) به‌عنوان یک هیأت قضایی- اجرایی مستقل، انتخابات را در اوج شفافیت و نظم برگزار می‌کند، مشارکت انتخاباتی مردم ترکیه در رقابت‌های مختلف معمولاً از ۷۵ درصد پایین نمی‌آید، امنیت کمپین‌ها و فعالیت‌های احزاب برقرار است، رقابت در یک تایم بدون تمدید پایان یافته و شمارش نتایج انتخابات از شبکه‌های زنده تلویزیونی بخش می‌شود و در همان چهار پنج ساعت نخست، تکلیف کار یکسره می‌شود. از شگفتی‌های نظام انتخاباتی ترکیه می‌توان به این موارد اشاره کرد: حتی یک سیاستمدار زندانی بدون نظارت استصوابی نامزد انتخابات می‌شود و به محض کسب رأی، صاحب مصونیت قضایی شده و از زندان به پارلمان می‌رود! احزاب به راحتی نتایج را می‌پذیرند و هیچ قدرتی نمی‌تواند، تصمیم هیأت مستقل متولی انتخابات را به چالش بکشد.

علاوه بر موارد بالا، ترکیه از حیث حقوق شهروندی، آزادی بیان و اینترنت، بها دادن به فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد، بها دادن به فعالیت نهادهای مرتبط با حفظ محیط زیست، روی آوردن به انرژی‌های تجدیدپذیر، توجه به استاندارد بسالای کیفیت کالا و خدمات و دفاع از حقوق مصرف‌کننده، نهادهای نظارت بر تخصیص هدفمند بودجه و چندین حوزه دیگر با فاصله‌ای جدی و معنی‌دار، وضعیتی بهتر و مطلوب‌تر از کشورهای منطقه دارد.



سهولت حرف خود را بر کرسی می‌نشانند، نهادهای مدنی تا حدی ضعیف و کم اثر شده‌اند، فضای کار و فعالیت برای احزاب مخالف مانند سابق نیست و دشاوتر شده، ریخت و پاش و تجمل‌گرایی نهاد ریاست جمهوری و کابینه تحت امر او به هیچ دیوار و مانع و ناظری برخورد نمی‌کند، شایسته‌سالاری در حد نمایان و قابل توجهی کنار نهاده شده، راه برای فساد مالی در بسیاری از حوزه‌ها هموارتر شده، ماجراجویی و نفس رئیس‌جمهور در تعیین بسیاری از تصمیمات محوریت دارد و مشکلات در حوزه‌های مختلف صدای مردم را درآورده است. حالا در ترکیه، مشکلاتی مانند فقر، شکاف طبقاتی، نابرابری، عدم پاسخ‌گویی دولت در برابر شهروندان و رانت‌پروری؛ صورت‌ها و مصادیق آشکاری دارند. می‌توان گفت: از سال ۲۰۱۹ میلادی بدین سو، نظام جمهوری در ترکیه دچار ضعف شده و رونق «جمهوریت» در این کشور همچون سابق نیست.

اما با وجود تمام کاستی‌ها و مشکلاتی که برشمردم؛ جمهوری ترکیه هنوز هم در چند گستره مهم، در مقایسه با کشورهای منطقه، از اعتبار و امتیاز بالایی برخوردار است. به‌عنوان مثال، می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

نظام حزبی: حزب و تحزب در ترکیه، اهمیت حیاتی خود را حفظ کرده است. تأسیس حزب و فعالیت در چارچوب قانون دشوار نیست. فضا برای پرورش کادرهای حزبی مهیاست و احزاب می‌توانند به راحتی درباره مسائل مختلف نظر بدهند، مشارکت سیاسی را پیش ببرند، تحصن و اعتراض و راهپیمایی به راه بیندازند و مابه‌ازای واقعی محبوبیت و نفوذ اجتماعی خود را در میدان رقابت انتخاباتی ببینند. اگر در کشور ما و بسیاری دیگر از کشورهای منطقه، افراد فراوانی اصطلاحاً به‌عنوان «چتر باز» از

یاد

در راه سنت و نوآوری

یادی از دکتر **مظاهر مصفا** در ششمین سال درگذشتش



مظاهر مصفا که یکی از قصیده‌سرایان شاخص ایرانی بعد از ملک‌الشعرای بهار است و در کشورهای افغانستان و هند و دیگر کشورهای فارسی‌زبان نیز دارای شهرت است در ۸ آبان ۱۳۹۸ درگذشت. در دورهٔ معاصر، مظاهر مصفا ادامه‌دهندهٔ بسیاری از سنت‌های شعر فارسی بود اما در قصیده به دنبال سنت‌های کلاسیک نبوده و نوگرایی زمان را در آثارش شاهدهیم. او تسلط عمیقی بر سبک خراسانی داشت و اشعارش مضامین حماسی دارد. باستان‌گرایی و بیان غم و درد اجتماعی از ویژگی‌های محتوایی اشعار مظاهر مصفاست. مصفا یک نوآوری هم در آثار خود به یادگار گذاشت و آن اینکه در تمام کلمات فارسی که ص و ث در آن بود، سین و در کلماتی که ض و ظ و ط بود «ز» و «ت» به‌کار می‌برد. تصحیح «دیوان سنایی»، «کلیات سعدی»، «دیوان ابوتراب فرقتی کاشانی»، «مجمع‌الفصحا از رضاقلی‌خانی هدایت»، «دیوان نزاری قهستانی» و «جوامع‌الحکایات عوفی» از جمله آثار پژوهشی و ادبی مظاهر مصفا هستند.

مظاهر مصفا ۲۰ بهمن ۱۳۱۱ در اراک متولد شد. او فرزند اسماعیل مصفا و برادرزاده حسینعلی خان نکیسا (نکیسای تفرشی) خوانندهٔ سرشناس دورهٔ قاجاریان و نوهٔ حاج ملارجبعلی تفرشی (تغزیه‌خوان پرآوازه در دربار ناصری و تکیه دولت همچنین موذن و یژه محمدعلی شاه قاجار) است. برادر بزرگ‌ترش ابوالفضل مصفا (مصفی)، و خواهرش خانم مصفا (مادر فواد حجازی، آهنگ‌ساز) نیز از استادان زبان و ادبیات فارسی بودند.

مظاهر مصفا دوران متوسطه را در دارالفنون گذراند و در دانش‌سرای عالی در رشته ادبیات تحصیل کرد. سپس تحصیلاتش را در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی تا درجهٔ دکتری در دانشگاه تهران ادامه داد. پایان‌نامه‌اش را با عنوان «تحول قصیده در ایران» را زیر نظر بدیع‌الزمان فروزانفر نوشت. همزمان با ادامه تحصیل به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و مدتی هم رئیس اداره فرهنگ قم بود و چندی هم ریاست مدرسهٔ عالی قضایی قم را به‌عهده داشت. از دیگر سوابق علمی و اجرایی او، ریاست پردیس فارابی دانشگاه تهران «پردیس قم» و آموزگاری دبیرستان‌های تهران، ریاست انتشارات و مدیریت مجلهٔ «آموزش و پرورش»، دانشیاری دانشگاه شیراز و ریاست دبیرخانهٔ مرکزی دانشگاه شیراز است. دکتر مصفا سال‌های زیادی به‌عنوان استاد تمام رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران به‌خدمت مشغول بود و در سال ۱۳۸۴ به دستور ریاست دانشگاه، کنار گذاشته شد و پس از آن مدتی استاد تمام‌وقت دوره‌های دکترای دانشگاه آزاد بود. از آثار مظاهر مصفا در حوزه شعر می‌توان به «توفان خشم»، «شب‌های شیراز»، «سپیدنامه»، «جمعه سرخ»، «گزیدهٔ اشعار مظاهر مصفا»، «نسخه اقدم؛ منظومه‌های مظاهر مصفا» و «پاسداران سخن» اشاره کرد.

اختلاف با فروزانفر بر سر مصدق

دکتر مصفا در جزوه‌ای که در سال ۱۳۵۷ منتشر کرد، در حاشیهٔ یکی از شعرهایش با موضوع «مصدق» در این باره

چنین توضیح داده بود: «اشاره است به شعار معروف «یا مرگ یا مصدق»… این همان قصیده است که گوینده در مجلس درس استاد فقید شادروان بدیع‌الزمان فروزانفر بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ به خواندن آن آغاز کرد و خشم و خروش استاد را برانگیخت و ۹ سال از درس و کار بازماند.» اشاره مظاهر مصفا به اختلاف‌نظر او در مقام دانشجوی دکتری با بدیع‌الزمان فروزانفر در مقام استاد دانشگاه بر سر موضوع پایان‌نامه و نیز جدل لفظی با او بر سر شعر گفتن در ستایش مصدق است که باعث می‌شود، فروزانفر با او قهر کند و بدین ترتیب اخذ درجهٔ دکتری مصفا ۹ سال عقب بیفتد. یکی از شعرهای به یادمانی مصفا را در پایان بخوانید:

مردی ز شهر هرگزَم از روزگارِ هیچ

جان از نتاجِ هرگز و تن از تبارِ هیچ

از شهر بی‌کرانه‌ی هرگز رسیده‌ام

تا رخت خویش باز کنم در دیارِ هیچ

از کوره راهِ هرگز و هیچم مسافری

در دستِ خونِ هرگز و در پایِ خارِ هیچ

در دل امیدِ سرد و به سر آرزوی خام

در دیده اشکِ شاید و بر دوش بارِ هیچ

در کام حرفِ بوک و به لب، قصهٔ مگر

بر جبهه نقشِ کاش و به چهره نگارِ هیچ

دنبال آبِ زندگی از چشمه‌سارِ مرگ

جویای نخلِ مردمی از جویبارِ هیچ

دست از کنار شسته، نشسته میانِ موج

پا بر سرِ جهان زده، سر بر کنارِ هیچ

دیوانهٔ خِرَدوَر و فرزانهٔ جهول

عقلِ آفرینِ دشتِ جنون، هوشیارِ هیچ

با عِزّ اقتدار و به پابند دُلّ و ضعف

با حکمِ اختیار و به دستِ اختیارِ هیچ

هم خود کتابِ عبرت و هم اعتبارِ جوی

از دفترِ زمانه‌ی بی‌اعتبارِ هیچ

چندی عبثِ نهاده قدم در ره خیال

یک چند خبره کوفته سر بر جدارِ هیچ

عمری فشانده اشکِ هنرِ پیش‌بای خلق

یعنی که کرده گوهرِ خود را تثارِ هیچ

قافِ آرزویِ باطلَم از دشتِ پُر عُراب

سیم‌رخ‌جویِ غافلَم از کوهسارِ هیچ

ناآمده نتاجی‌ام از پشتِ هول و وهم

نابافته نیسیجی‌ام از پود و تارِ هیچ

گم کرده راهِ پیکِی‌ام از شهر بی‌نشان

پیغام پُر ز پوچِ رسانم به یارِ هیچ

خاموش قصهٔ گویم و گویایِ آخرسم

بی‌بایِ بادپویم در رهگذارِ هیچ

گویاییِ سکوتَم و بی‌تابیِ درنگ

تمکین بی‌قراری‌ام و بی‌قرارِ هیچ

صرافِ سرنوشتَم و سنجمِ بهایِ خاک

نقدِ بادسنجم و گیرم عیارِ هیچ

بیع و سُرایِ خونَم و بّیاعِ داغ و درد

با زارگانِ مرگَم و گوهرشمارِ هیچ

متال‌باز برگزیده

برگزیدگان **جایزهٔ مهرگان ادب** معرفی شدند

مراسم پایانی دوره‌های بیست‌وسومین و بیست‌وچهارمین دورهٔ جایزهٔ مهرگان ادب با معرفی برگزیدگان و تجلیل از محمود دولت‌آبادی برای یک عمر نوشتن، سه‌شنبه ۶ آبان در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد. حسین آتش‌پرور بیانیهٔ بخش رمان را خواند و در ادامه با حضور هوشنگ مرادی‌کرمانی، عنایت سمیعی و فرزانه طاهری برگزیدگان به این شرح معرفی شدند:

برگزیده: «متال‌باز» نوشتهٔ علی مسعودنیا

رمان‌های تحسین‌شده: «کمین بود» نوشتهٔ فرشته مولوی و «خیرگی»

نوشتهٔ علیرضا سیف‌الدینی

رمان‌های تقدیرشده: «گورستان شیشه‌ای» نوشتهٔ سرور کسمانی و «پیرزن جوانی که خواهر من بود» نوشتهٔ صمد طاهری

رمان‌های شایستهٔ دریافت نشان مهرگان ادب: «شیخ اپراتور، یک پیشگونی» نوشتهٔ هادی کی‌کاووسی و «معنای برج بابل» نوشتهٔ امیر خداوردی.

برگزیدگان بخش مجموعه داستان نیز بعد از خوانش بیانیه توسط قباد آذرایین با حضور موسی اکرمی و حافظ موسوی به این شرح معرفی شدند: برگزیده: «ما همه در عصر شکار به سر می‌بریم» نوشتهٔ فرهاد حیدری‌گوران

مجموعه داستان‌های تحسین‌شده: «حرف اول اسمش نون بود» نوشته حافظ خیای و «املاک راینسون» نوشتهٔ حامد حبیبی

مجموعه داستان‌های تقدیرشده: «ما چهار نفر بودیم» نوشتهٔ امیررضا بیگدلی و «خوکچه بادنما» نوشتهٔ احمد آرام

مجموعه داستان‌های شایسته دریافت نشان مهرگان: «امادم دوژاپل و اافل بلژیکی دوست داشت» نوشتهٔ شیمیا سورن و «غزل سیب» نوشتهٔ منیرالدین بیروتی.

«مهرگان زبان مادری» در بخش مجموعه داستان برگزیده نداشت اما «اشک‌های یک زن» نوشتهٔ فوزیه بشارت با ترجمه مستوره بخشی‌بی به عنوان برگزیده رمان به زبان مادری معرفی شد. جایزه ناشر حوزهٔ زبان مادری نیز به اعظم کیان‌افراز، مدیر نشر افراز اهدا شد. قرار بر این بود با حضور محمود دولت‌آبادی از یک عمر تلاش این نویسنده در عرصه نوشتن تجلیل شود که اعلام شد این بخش به دلیل کسالت این نویسنده پیشکسوت بدون حضور او برگزار می‌شود. تجلیل از دولت‌آبادی با خوانش بیانیه هیات داوران توسط ابوتراب خسروی برگزار شد.

سینمای ایران

از هم گسسته

نگاهی به فیلم **کج‌پيله** ساخته هاتف علیمردانی

یاسمن خلیلی‌فر
منتقد

«کج‌پيله» تازه‌ترین ساخته هاتف علیمردانی ایسن روزها بر پرده اکران است و به نظر می‌رسد، دورخیز اصلی‌اش را برای موفقیت در گیشه و نزد مخاطب بر پایه گرم خاص و مردانه‌الناز شاکر‌دوست کرده که اتفاقاً در فضای مجازی به شدت وایرال شده است. مشخصاً حضور بازیگر زن در فیلم با گرم و شمایل مردانه آن‌قدری کنج‌کاوِ برانگیز هست که تماشاگر را به دیدن فیلم ترغیب کند اما این همه ماجرا نیست و به تهایی نیز نمی‌تواند، تضمین‌کننده موفقیت هنری و حتی تجاری فیلم باشد.

هاتف علیمردانی، فیلمسازی است که چند فیلم موفق از جمله «کوچه بی‌نام» را در کارنامه‌اش دارد؛ فیلمی که با فیلم‌نامه‌ای هوشمندانه و پرداخت دقیق شخصیت‌ها موفق شد، قصه‌ای تأثیرگذار و باورپذیر را بی‌لکتنت روایت کند اما «کج‌پيله» چند مشکل اساسی دارد از جمله روایتی پریشان، داستانی از هم گسسته، عدم تمرکز روی یک مساله خاص و شخصیت‌هایی که در سطح می‌مانند و بیش از ریزه‌کاری در پرداخت به جزئیات نمود بیرونی و ظاهری دارند. احتمالاً به همین علت است که وپترین جذاب بازیگران، گرم‌های وسوسه‌انگیز آنها و حتی نام خود علیمردانی به‌عنوان کارگردانی که فیلم‌های موفقی در کارنامه‌اش دارد، هیچ‌یک نمی‌توانند ناجی فیلم باشند به اثر بخشی بیشتر آن و جلب رضایت مخاطب کمک کنند و حاصل، یک کمدی متوسط با فیلمنامه‌ای پر حرفه و بازی‌هایی متوسط و معمولی است. ضعیف‌ترین بخش «کج‌پيله» مانند بسیاری از فیلم‌های ایرانی، فیلمنامه است. با آنکه فیلمساز قصد دارد، تقبی به معضلات اجتماعی بزند و

نسل‌های جدید زبان خود را می‌آورند

در ابتدای مراسم پایانی جایزه مهرگان، ویدئویی از دوره‌های مختلف جایزه برای حاضران پخش شد. سپس علیرضا زرگر، دبیر جایزه با اشاره به ویدئو پخش‌شده، گفت: «چهره‌هایی که در میان ما بودند حالا نیستند و این موضوع آدمی را دل‌آزرده می‌کند اما نویسنده فقط در جسم خاکی نیست که وجود دارد بلکه در آثارش و آن‌چه از خود به جای می‌گذارده می‌شود باید او را جست. زنده‌یاد امامی، دکتر علی‌محمد حق‌شناس، سیمین دانشور، سیمین بهبهانی، احمد محمود و بسیاری دیگر، شنیده‌ام جناب کامران فانی حال مساعدی ندارد و آرزوی سلامتی می‌کنم. ذات جوایزی که عمرشان طولانی می‌شود، این است که گروهی را از دست می‌دهند و البته گروه بزرگ‌تری در کنارشان قرار می‌گیرد.» او با اشاره به تعطیلی خانهٔ اندیشمندان علوم انسانی گفت: «انسان‌های شریفی آن‌جا بودند که مساعدت بسیاری نسبت به نهادهای مدنی در ایران داشتند و صداهایی که نمی‌شد جایی شنیده شود، آن‌جا شنیده می‌شد و از طرف دیگر دسترسی به آن‌جا مهیاتر بود. چند سال پیش با خود وعده کرده بودم که هرگز جایزهٔ مهرگان را در این شهر برگزار نکنم اما شرایط همیشه با آن‌چه می‌خواهیم، همسان نیست.» زرگر سپس به تفاوت‌های این دوره از جایزه مهرگان با دوره‌های گذشته اشاره کرد و گفت: «برای اولین بار آثاری که در سراسر جهان به زبان فارسی نوشته شده را در هیئت داوران ارزیابی کردیم؛ دیوار حائلِ میسان ادبیات درون مرز و بیرون مرز وجود دارد و این دیوار باعث می‌شود تا آثار خوب را نبینیم. در این دوره به لطف و همراهی داوران مهرگان این کار انجام شد.»

زرگر دربارهٔ بخش «یک عمر تلاش برای نوشتن» با تأکید بر اهمیت این بخش، گفت: «تاکنون در این بخش از احمد محمود، سیمین دانشور، علی‌اشرف درویشیان و رضا براهنی در زمان حیات‌شان تجلیل شده است. محدودیت تعداد به این دلیل است که رسیدن به چهره‌ای که تجلیل می‌شود، نیاز به اتفاق آراء داوران دارد که این اتفاق آرا چند سال یک بار اتفاق می‌افتد و امسال توفیق خواهیم از محمود دولت‌آبادی تحلیل کنیم و بیانیه این بخش را ابوتراب خسروی خواهد خواند. نسل‌ها دارند عوض می‌شوند و نسل‌های جدید زبان خود را می‌آورند، آثاری که انتخاب می‌شوند به لحاظ زبان تفاوت‌هایی با نسل نویسنده‌هایی چون احمد محمود، محمود دولت‌آبادی، سیمین دانشور و دیگران دارند. حرکت رو به جلویی است و امیدواریم بتوانیم همگام با نسل جدید کار کنیم.» دبیر جایزهٔ مهرگان ادب و مهرگان علم یادآور شد: «در بخش مهرگان علم، کتاب‌های علمی و زیست‌محیطی که مورد توجه عام است مورد بررسی قرار گرفت و کتاب‌هایی که مخصوص

آسیب‌های زندگی خانوادگی و هویت فردی را در جامعه مدرن امروزی مورد نقد و آسیب‌شناسی قرار دهد و حتی رسالتی آموزشی و تربیتی داشته باشند اما به علت چندپارگی فیلم‌نامه و بلاتکلیفی آن و مانور بیش از اندازه بر موقعیت‌های کمیک و سطحی متن هیچ‌یک از اهداف اولیه محقق نمی‌شوند.» «کج‌پيله» بیش از آنکه یک کمدی خلاقانه و سرشار از مفاهیم انسانی و حتی اجتماعی باشد، فیلمی است که بر پایه موقعیت‌هایی جلو می‌رود که هیچ‌یک نیز جرقه، شکل‌گیری قصه و درام را نمی‌زنند. شوخی‌های جنسی و جنسیتی، تمرکز بیش از اندازه بر جزئیات مرد شدن سیما (که خنده‌درهم از آب دریا‌مده است) و مفاهیم آموزشی و انسانی که به گل‌درشت‌ترین شکل ممکن ارائه می‌شوند هیچ‌یک کمکی به درآمدن قصه‌ای به‌جا و تأثیرگذار از بطن هسته اصلی و مرکزی نسبتاً با پتانسیل اثر نکرده‌اند و شاید حتی اگر ژانر دیگری برای روایت این داستان انتخاب می‌شد، فیلمساز به نتایج بهتری نیز دست می‌یافت.

«کج‌پيله» بنا بوده در مسیر خط‌مشی برخی فیلمفارسی‌های نسبتاً شریف به مضامینی چون جوانمردی، ارزش خانواده، اهمیت جایگاه مرد، شرافت، صداقت و… بپردازد اما آن‌قدر از این شاخه به آن شاخه می‌پرد و آن‌قدر در قصه‌گویی و روایت‌پردازی بی‌ذوق و شلخته عمل می‌کند که حتی نمی‌تواند، روابط شخصیت‌هایش را به درستی ترسیم کند و تحول ناگهانی و ساده‌لوحانه‌ای کاراکتر اصلی بدون هیچ زمینه عمیق و رخداد تأثیرگذاری موجب ریشخند مخاطب می‌شود و نه عبرت‌آموزی به او.

پایان‌بندی فیلم، شتابزده است و درنهایت سر و ته ماجرا به شکلی رفع تکلیف‌وار با تریشن هم می‌آید. به بیانی این پایان اصلاً جوابگوی دامنه درام نیست. شاید بهتر بود از برخی خردمروایت‌های تکرار‌شده در متن کاسته می‌شد و فرصت بیشتری به فیلم‌نامه داده می‌شد تا پایان‌بندی دقیق‌تر و تأثیرگذارتری داشته باشد. بی‌شک چنین پایان‌بندی محافظه‌کارانه‌ای به

گزارش

دانایی سینمایی

اصغر فرهادی از ویژگی‌های منحصر به فرد **تقوایی** در یادبودش گفت

کیارستمی بر اثر اشتباه پزشکی از دنیا نمی‌رفت، پوراحمد با دست و پای شکسته آویزان نمی‌شد، مهرجویی و زنش تکه و پاره نمی‌شدند و مرد بزرگی مانند تقوایی چندین سال خانه‌نشین نمی‌شد. وقتی چنین بلاهایی سر دانیایان سینما می‌آید، چگونه می‌توان انتظار داشت که یک رسانه صوتی و تصویری ورشکسته نشود؟

به گزارش مهر این کارگردان بیان کرد: من به تازگی از تعبیر «دانایی سینمایی» استفاده می‌کنم. «دانایی سینمایی» از عشق سرچشمه می‌گیرد، از اینکه تو در مقابل چیزی گم شوی، عشق باعث می‌شود که خوب ببینی، بشنوی و آدم‌ها را دوست داشته باشی. سینما به نوعی لمس جاودانگی است و تو می‌توانی دنیا را درون یک قاب ببینی به همین دلیل، دانایی سینمایی با عکاسی و قاب‌بندی همراه است. ناصر تقوایی می‌گفت که اگر «کاغذ بی‌خط» زندگی نباشد، زندگی باید روی چه چیزی نوشته شود؟ گویا او مرگ را هم دوست داشت.

این هنرمند تأکید کرد: منظومه هنری-رسانه‌ای ما ورشکسته است زیرا تفکیک هنر و رسانه را متوجه نمی‌شوند. هنر یک محصول انسانی است و با رسانه که یک سازمان پشت آن است، تفاوت دارد. آقای تقوایی می‌گفتند که من برای کسی فیلم نمی‌سازم. او که «دانایی سینمایی» دارد و تمام مسیر را با پشتکار و مرارت و سختی طی کرده است بر دوگانه هنر و رسانه غلبه کرد، چیزی که ما همین الان نیز با آن دچار چالش هستیم.

مرضیه وفامهر در ادامه روی صحنه آمد و گفت: خوشبخت کسانی که کردار، گفتار و پندارشان در راه حق و برای حق است و بدبخت کسانی که کردار، رفتار و گفتارشان در انکار حق است. یک بار در مراسمی برای تقوایی در جایی که خودش حضور نداشت، دست زدند من به او گفتم که ناصر جان مردم تو را خیلی دوست دارند. گفت که من هم مردم را دوست دارم. من حتی یک پلان در فیلم‌هایم نگذاشتم که به ضرر مردم باشد. او برای عوام فیلم نمی‌ساخت زیرا می‌دانست که در خبر و مصلحت عوام نیست که امروز برایش دست بزنند اما فردا متوجه شوند که بازیچه قرار گرفته‌اند. او خیر بلندمدت مردم را می‌دید و برای خیر بلندمدت مردم کار می‌کرد حتی اگر فهمیده نمی‌شد. احمدرضا نوری یکی از شاگردان ناصر تقوایی درس‌گفتارهایی از او را به نام «حقیقت واقعیت» گردآوری کرده که به زودی منتشر می‌شود. وفامهر در ادامه بخش‌هایی از این کتاب را خواند.

سپس پیام ویدئویی جعفر پناهی پخش شد که وی در بخشی از پیامش گفت: متأسفم که نتوانستم امروز کنارتان باشم. آقای تقوایی برای من فقط یک فیلمساز نیست بلکه او حافظه سینمای ایران است. شاید خیلی زمان ببرد که سینمای ایران یک تقوایی دیگر را به خود ببیند اما ما هرگز ناصر تقوایی را از یاد نمی‌بریم.

در بخش بعدی این مراسم سعید پورصمیمی، بازیگر سینما و تئاتر روی صحنه آمد و گفت: ماحصل کار تقوایی از سال ۶۳ تا ۱۴۰۰ سه پروژه ساخته نشده و سه پروژه ساخته شده است درحالی که ظرفیت او این نبود. حاصل ۳۰ سال کار کردن تقوایی نباید این باشد. اگر تقوایی این بی‌مهری‌ها را دید، تاوان ساخت «دایی جان ناپلئون» بود.

مراسم یادبود زندیاد ناصر تقوایی، نویسنده و کارگردان سینما عصر سه‌شنبه ششم آبان در خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

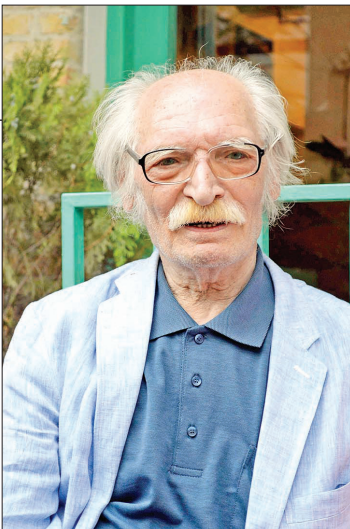
در ابتدای این برنامه، ویدئویی از صحبت‌های زندیاد تقوایی پخش شد که در آن تصاویری از بهرام بیضایی نیز وجود داشت و با واکنش‌های حاضران همراه بود. مجید برزگر، اجرای این مراسم را برعهده داشت سپس پیام ویدئویی از بهرام بیضایی، نویسنده و کارگردان پخش شد. در ادامه محسن امیریوسفی، نماینده کانون کارگردانان سینمای ایران گفت: آقای تقوایی شما گفته بودید تا زمانی که مجبور به گرفتن اجازه باشم، فیلم نمی‌سازم اما در ششمین روز درگذشت شما کانون کارگردانان و دو صنف دیگر خواستار حذف پروانه ساخت شدند که نقطه‌امیدی کوچک برای سینما بود. در هشتمین روز درگذشت شما ۱۶ صنف سینمایی دیگر نیز خواستار حذف پروانه ساخت و پایان ممیزی در فیلمنامه شدند. آقای تقوایی ۱۹ صنف سینمایی هم‌صدای هم گفتند که پروانه ساخت و ممیزی فیلمنامه تأثیری منفی در سینما دارد، اتفاقی که اگر زودتر رخ داده بود ما شاهد تماشای فیلم‌های بیشتری از شما و کارگردانان دیگر بودیم.

در ادامه اصغر فرهادی در پیامی ویدئویی گفت: در این چند روزی که آقای تقوایی را از دست دادیم خیلی درباره آثار و شخصیت و تصمیمی که ایشان برای کار نکردن گرفت، گفته شد اما تنها نکته‌ای که من می‌خواهم بگویم این است که آقای تقوایی همواره جایگاه و ویژه‌ای در ذهن من داشتند زیرا از معدود سینماگرانی هستند که بسیار در دوران خودشان معاصر بودند یعنی ما می‌توانیم، آثارشان را به دیگران به خصوص به نسل‌های دیگر پیشنهاد کنیم. این کارگردان تأکید کرد: نسل‌های مختلف می‌توانند، فیلم‌های آقای تقوایی را درک کنند و به همان اندازه ما درگیر فیلم شوند. به طور مثال نسل‌های مختلف، سریال «دایی جان ناپلئون» را تماشا کرده و برایشان دغدغه شده است. فیلم‌های آقای تقوایی همچنان دغدغه امروز است و این معاصر بودن، امتیاز ویژه‌ای برای آقای تقوایی ایجاد کرده است. فرهادی افزود: آقای تقوایی جزو معدود نویسندگان کشور ماست که در پرداخت و خلق شخصیت‌های فرعی توانایی ویژه‌ای دارند. ما معمولاً آثار را با شخصیت‌های اصلی به یاد می‌آوریم اما در فیلم «ناخدا خورشید» وزن شخصیت‌های فرعی دقیقاً مانند شخصیت‌های اصلی است. این فیلمساز گفت: فیلم «ای ایران» یک ویژگی خاص برای من دارد و آن هم سکانس پایانی فیلم است. در سکانس پایانی، وقتی اهالی روستا پیروز می‌شوند و برای شادی به کوچه و خیابان می‌آیند همه افراد در یک جهت حرکت می‌کنند و معلم و دانش‌آموزان در همه پلان‌ها در جهت مختلف حرکت می‌کنند. اینکه بسیار ظریف و غیرمستقیم چنین حرفی بزنی، مهارت ویژه‌ای نیاز دارد و شادی بر معاصر بودن فیلم‌های آقای تقوایی است.

سپس علیرضا داوودنژاد بیان کرد: سینما و رسانه ما ورشکسته است و این ورشکستگی منظومه هنری-رسانه‌ای ما آن روی سکه منزوی کردن و محروم کردن تقوایی از فیلم ساختن و مخاطب بود. اگر ما کشوری داشتیم که مدیریت منابع انسانی اخلاقی داشت،



علی مسعودینیا



محمود دولت‌آبادی



فوزیه بشارت

اشاره به کلیبی که از رونمایی کتاب یک نویسنده با صف طولانی دست به دست می‌شود، گفت: «کار مهم نهادهای رسمی امروز برانگیختن ادبیات در برابر رسانه و برجسته‌سازی شبه‌نویسنده‌ها و سلبریتی‌هاست.» حافظ خیالوی دیگر نویسنده تحسین‌شده در این جایزه درباره سختی نوشتن و انتشار کتاب گفت. حامد حبیبی، احمد آرام و شیماسورن نیز پیام‌های ویدئوی برای مراسم فرستاده بودند. در ادامه برگزیده بخش زبان مادری اعلام شد و فوزیه بشارت در این بخش به زبان کردی سخن گفت.

اهمیت دولت‌آبادی

در ادامه ابوتبار خسروی، بیانیهٔ بخش «یک عمر تلاش در عرصه نوشتن» را به این شرح خواند: «جایگاه ادبی و اجتماعی محمود دولت‌آبادی آن‌چنان است که بنیاد مهرگان و هیأت داورى به گزینش خود افتخار می‌کند. رمان «کلیدر» شاخص‌ترین اثر این نویسنده، طولانی‌ترین رمان زبان فارسی و یکی از طولانی‌ترین رمان‌های جهان است. برخی از مضامین اصلی رمان مثل طغیان، شوریدن بر ستم، یاغی‌گری و عشق اگرچه مضامین جهانی هستند، در این رمان رنگ و بوی بومی و اقلیمی و ایرانی دارند. دولت‌آبادی شخصیت‌های ماندگاری آفریده که از سویی بازتاب قشرهای مختلف اجتماعی هستند و از سویی دیگر به حافظه جمعی ایرانیان وارد شده‌اند. بهره بردن از زبان شاعرانه و وصف روابط عاطفی از خصوصیات آثار وی است. دولت‌آبادی از واژگان کهن فارسی و واژگان بومی رایج در زیست‌بوم رمان‌هایش یعنی روستاهای خراسان به شکلی هوشمندانه در آفریدن زبان ویژه خویش بهره برده و واژگان زیادی به گنجینهٔ مکتوب ادبی ما افزوده است. علاوه بر ارزش ادبی، از نظر جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی نیز آثار او حائز اهمیت هستند. دولت‌آبادی در آثارش شیوهٔ زندگی روستایی و روابط حاکم بر معیشت دامداری و کشاورزی را در دوره‌های مشخصی از تاریخ ثبت کرده و تصویری روشن همراه با جزئیات بی‌شمار از روزگاری سپری‌شده به ما هدیه کرده است. او اقلیم‌های گوناگون و پهنه‌های وسیع طبیعت از دشت و کوه و کشتزار را توصیف کرده و انواع حرفه‌ها و روابط شغلی و شخصی و اجتماعی را همراه با آداب و رسوم و گویش و اصطلاحات و عبارات و کنایات و ضرب‌المثل‌ها ضبط کرده است. مجموعه عظیم نوشته‌های او، توشه کافی برای انواع پژوهش در زمینه‌های مختلف علوم انسانی فراهم می‌کند.»



است و شاید برای هر بازیگری تنها یک بار پیش بیاید (و برای خیلی‌ها نیز هرگز پیش نیاید). نمی‌توان ایراد این بازی معمولی و ساده را تماماً به گردن شاکردوست انداخت؛ بی‌تردید شخصیت‌پردازی سطحی، بی‌چالش بودن موقعیت و ماهیت شخصیت و تمرکز مضاعف بازیگر بر ایفای نقش مرد که دشواری‌های شدیدی از جمله گرم سنگین را نیز به او تحمیل کرده بر این بازی متوسط تأثیر گذاشته است.

دیگر بازیگران فیلم نیز بازی‌هایی یکدست اما متوسط دارند. این به معنای ضعف در بازیگری نیست بلکه بازی‌ها و البته نقش‌ها چندان چالش‌برانگیز نیستند و فرصتی برای خودنمایی به بازیگر نمی‌دهند. درنهایت «کچیله» فیلمی نیست که انتظارات مخاطب را برآورده کند و او احتمالاً پس از تماشای فیلم از گرم متفاوت شاکردوست به‌عنوان اصلی‌ترین برگ برنده آن، نام خواهد برد.

کلیت فیلم آسیب جدی وارد کرده و بیشتر نوعی ناگزیری برای اتمام ماجرا را القا می‌کند.

«کچیله» اما در اجرا گامی فراتر از متن برمی‌دارد. اجرا مسحورکننده و شگفت‌انگیز نیست اما قابل قبول است. هرچه باشد، اجرا و فرم از متن کاملاً جلوتر حرکت می‌کنند حتی اگر بتوان به بازی‌های تکراری و متوسط بازیگران خرده گرفت و یا برخی زوایای دوربین را نامناسب در نظر گرفت.

ایمن‌بدان معنا نیست که فیلم به لحاظ بصری به‌دنبال ایده‌های بکر و خلاقاته‌ای رفته اما درنهایت سسته رفته از آب درآمده است. الاز شاکردوست که پیش از این قابلیت خود را در اجرای نقش‌های دشوار همچون نقش‌هایش در فیلم‌های «شبی که ماه کامل شد» و یا «خفگی» نشان داده است، موقعیت خاص و ویژه ایفای نقشی با جنسیت مخالف را با شکست پشت سر می‌گذارد؛ موقعیتی که پاشنه آشیل کل فیلم



بازار سهام

ادامه‌رالی

چرا شاخص‌های بورس همچنان به رشد خود ادامه می‌دهند؟

نسربین خدادادی

گروه اقتصاد

همه شاخص‌های سهامی بازار سرمایه در جریان معاملات روز چهارشنبه بر مدار مثبت حرکت کردند. شاخص کل بورس تهران با تجربه رشد ۱۰۰۵ درصد وارد کانال ۳۰۲ میلیون واحد شد. عامل اصلی تداوم رشد بازار در این هفته به اخبار مرتبط با اصلاح فرمول نرخ خوراک پتروشیمی‌ها بازمی‌گردد. همین امر موجب شد تا شاخص هم‌وزن از رالی بزرگان جا بماند و در نهایت این هفته را با ثبت بازدهی ۲.۷۷ درصد به انتها برساند.

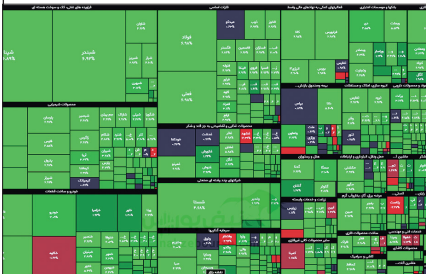
بازار سرمایه دیروز با ادامه موج صعودی روزهای اخیر به کار خود پایان داد. شاخص کل بورس تهران با رشد چشمگیر ۳۳ هزار و ۴۳۹ واحدی در سطح ۳ میلیون و ۲۰۹ هزار و ۵۵ واحد ایستاد. این رشد، نشانه‌ای از بازگشت اعتماد سرمایه‌گذاران حقیقی به بازار سهام و تقویت انتظارات مثبت نسبت به تداوم روند صعودی شاخص کل است. در پایان معاملات، شاخص کل هم‌وزن نیز با افزایش ۲ هزار و ۵۲۵ واحدی (معادل ۰.۲۷ درصد) به رقم ۹۲۴ هزار و ۶۵۷ واحد رسید. اختلاف محسوس میان رشد شاخص کل و شاخص هم‌وزن، بیانگر تمرکز نقدینگی بر نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز است. به این ترتیب موتور محرک رشد امروز بیشتر از سوی صنایع بزرگ بوده و سهام کوچک‌تر بازار همچنان با نوسانات محدودتری معامله شده‌اند. شاخص کل بورس وارد کانال ۳۰۲ میلیون واحد شد.

نمادهای کوچک دوباره عقب ماندند

ارزش کل معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی امروز به رقم ۱۴ هزار و ۵۵۷ میلیارد تومان رسید که عددی مطلوب محسوب می‌شود. حجم معاملات نیز به بیش از ۳۱.۸ میلیارد برگه سهم افزایش یافت. این دو شاخص کلیدی، نشان‌دهنده بازگشت پرقدرد نقدینگی به بازار و رشد علاقه سرمایه‌گذاران حقیقی برای حضور فعال در معاملات سهام است. میانگین سرانه خرید حقیقی‌ها به ۸۴.۵ میلیون تومان رسید و در مقابل، سرانه فروش در سطح ۶۰.۷ میلیون تومان ثبت شد. نسبت قدرت خرید حقیقی‌ها به فروشندگان با عدد ۱.۳۹ نشان‌دهنده برتری محسوس تقاضا نسبت به عرضه در معاملات امروز است. در جریان معاملات امروز، خالص ورود پول حقیقی به بازار سهام به رقم ۲۵۳ میلیارد تومان رسید که عدد چشمگیری نیست. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با خروج ۵۳۴ میلیارد تومان مواجه شدند. این داده‌ها بیانگر ادامه تمایل سرمایه‌گذاران به دارایی‌های پرریسک‌تر و حرکت بخشی از سرمایه‌های پارک شده در صندوق‌های درآمد ثابت به سمت سهام است؛ موضوعی که در صورت تداوم می‌تواند به تثبیت روند صعودی بازار کمک کند.

در پایان معاملات، تعداد صف‌های خرید به ۱۷۱ نماد رسید، در حالی که تنها ۵۵ نماد در صف فروش باقی ماندند. این تغییرات نسبت به روزهای گذشته، نشان از فضای خوش‌بینی میان فعالان بازار دارد. همچنین از میان کل نمادهای معاملاتی ۴۷۱ نماد در محدوده مثبت و ۳۳۴ نماد در محدوده منفی بسته شدند.

در بخش سفارش‌ها نیز ارزش سفارش‌های خرید با رقم ۲ هزار و ۷۹۶ میلیارد تومان بیش از ۳.۸ برابر ارزش سفارش‌های فروش به میزان ۷۲۶ میلیارد تومان بود. این اختلاف آشکار، گواهی بر برتری سمت تقاضا و انتظار سرمایه‌گذاران برای رشد بیشتر قیمت‌ها در روزهای آتی است.



توسعه

ادامه تیتیر یک

دست‌پخت بد

ریشه این اشکال را باید در همان «گناه نخستین» جست‌وجو کرد؛ در سیاستی که سال‌ها پیش با عنوان ارز ۴۲۰۰ تومانی آغاز شد و به تعبیر سیدعلی مدنی‌زاده، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های حکمرانی غلط اقتصادی در ایران است. فلسفه این سیاست، حمایت از مصرف‌کننده و کنترل تورم بود اما در عمل به چرخه‌ای از رانت، فساد، ناکارآمدی و در نهایت تورم بیشتر انجامید.

دولت ارز را با نرخ پایین اختصاص می‌دهد تا قیمت نهایی برنج حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار تومان باشد اما در بازار، برنج وارداتی پاکستانی یا هندی با قیمتی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان و گاهی حتی ۳۰۰ هزار تومان عرضه می‌شود. این شکاف عمیق، نه تنها منابع ارزی محدود کشور را هدر می‌دهد بلکه اعتماد عمومی را نیز خدشه‌دار می‌کند. رئیس سازمان برنامه و بودجه در نشست اخیر مجلس، این مساله را با عبارت «دولت هزینه را داده اما مردم بهره‌ای نمی‌برند» توصیف و تأکید کرد که منابع مانند «پنخ در دست» آب می‌شود و به دست مصرف‌کننده نهایی نمی‌رسد. اما ریشه این ناکامی کجاست؟ یکی از اصلی‌ترین مشکلات، ایجاد رانت ساختاری است. تفاوت نرخ ارز ترجیحی با بازار آزاد، انگیزه‌ای قوی برای سوء استفاده ایجاد می‌کند. واردکنندگان که اغلب به شرکت‌های خاص و صوری محدود می‌شوند، برنج را با ارز ارزان وارد می‌کنند اما به جای عرضه با قیمت مصوب، آن را در بازار آزاد یا حتی از طریق قاچاق به خارج می‌فروشند. این رانت، نه تنها به واردکنندگان بلکه به زنجیره‌ای از واسطه‌ها، دلالان، کارگزاران گمرکی و توزیع‌کنندگان می‌رسد. برای مثال، امسال واردات برنج حدود دو برابر سال قبل افزایش یافته اما به دلیل بی‌ثباتی بازار، قیمت‌ها سه برابر شده است. دبیر انجمن واردکنندگان برنج نیز تأیید می‌کند که سود اصلی نصیب «حلقه‌های میانی زنجیره تأمین» می‌شود و کالا عملاً به جامعه هدف نمی‌رسد. این پدیده، که در تجربیات گذشته مانند ارز ۴۲۰۰ تومانی نیز تکرار شده، نشان‌دهنده فسادزا بودن ذاتی سیاست است؛ زیرا تخصیص منابع محدود با نرخ دستوری به طور طبیعی به «اختصاص» به گروه‌های خاص منجر می‌شود و سامانه‌های نظارتی، هرچند مفید، نمی‌توانند ماهیت رانت‌پرو آن را تغییر دهند.

دولت‌ها در ایران همواره با هدف کاهش فشار معیشتی بر مردم کوشیده‌اند با ارزان کردن نهاده‌ها و کنترل دستوری

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

آغاز تحول

بررسی تحولات اقتصادی

قیمت‌ها، ثباتی صوری در بازار ایجاد کنند. اما تجربه دهه‌های اخیر نشان داده است که این چرخه معیوب، نه‌تنها ثابت نمی‌آورد بلکه به دلیل فاصله میان قیمت رسمی و قیمت واقعی، مجموعه‌ای از آثار مخرب اقتصادی و اجتماعی را به دنبال دارد. دولت به جای اصلاح ریشه‌ای ساختار بودجه و مهار نقدینگی با دادن نهاده ارزان و ارز ترجیحی تلاش می‌کند، آثار ظاهری تورم را پنهان کند اما نتیجه آن، تشدید همان تورم است. مشکل بعدی تأخیر و بروکراسی در تخصیص و توزیع است. فرآیند واردات برنج شامل مراحل پیچیده‌ای از ثبت سفارش، ترخیص گمرکی تا توزیع است که با تأخیرهای چند ماهه همراه است. در این فاصله، واردکنندگان مجبور به تأمین اعتبار با نرخ آزاد می‌شوند که هزینه‌های اضافی را به قیمت تمام‌شده، اضافه می‌کند و در نهایت قیمت را معادل نرخ بازار آزاد می‌کند. دبیر انجمن تولیدکنندگان برنج هشدار داده که این معطلی‌ها، واردات را مختل کرده و تنظیم بازار را تهدید می‌کند به طوری که حتی با وجود ۱۰۵ میلیون تن واردات قیمت‌ها همچنان رو به افزایش است.

عوامل خارجی نیز نقش دارند. محدودیت منابع ارزی، ناشی از کاهش درآمدهای نفتی، تخصیص را دشوارتر می‌کند و دولت را در تنگنا قرار می‌دهد. از سوی دیگر، سیاست‌های ارزی ترکیبی شناور بودن نرخ را افزایش می‌دهد و واردکنندگان را در سردرگمی برای قیمت‌گذاری رها می‌کند که این امر واردات را کاهش یا گران‌تر می‌کند. در نهایت، این سیاست به جای کنترل تورم به بی‌ثباتی دامن می‌زند؛ زیرا رانت‌جویان، ارز ارزان را به سمت کالاهای غیراساسی یا صادرات سوق می‌دهند و مصرف‌کننده نهایی با تورم بالاتر روبه‌رو می‌شود. وقتی دولت به واردکننده‌ای ارز ارزان می‌دهد برای جلوگیری از نقض غرض مجبور است بر قیمت کالا در تمام زنجیره تولید و توزیع نظارت کند. اما در عمل این نظارت به معنی تمحیل قیمت‌های غیرواقعی است. تولیدکننده داخلی که از چنین یارانه‌ای بی‌بهره است از میدان رقابت حذف می‌شود. در این میان دلالان و واسطه‌ها با دسترسی به مجوزها و رانت‌ها، سود کلان می‌برند و کالای یارانه‌ای را با چند برابر قیمت به مردم می‌فروشند. به این ترتیب، هدف اولیه که رساندن کالا با قیمت مناسب به مصرف‌کننده نهایی است نه‌تنها محقق نمی‌شود بلکه بار مالی آن نیز بر دوش کل جامعه باقی می‌ماند. سیاست ارز ترجیحی در واقع نمونه‌ای

از همان الگوی کهنه «قیمت‌گذاری دستوری» است که از بنزین و آرد تا فولاد و خودرو همواره تکرار شده است. هر بار دولت برای کنترل قیمت، بازار را دستکاری کرده و پس از مدتی به دلیل افزایش هزینه‌ها، ناچار به آزادسازی یا شوک قیمتی شده است. نتیجه، موجی از نارضایتی اجتماعی و از بین رفتن اعتماد عمومی بوده است.

در اقتصاد، وقتی قیمت نهاده‌ها به‌طور مصنوعی پایین نگه داشته می‌شود، تقاضا برای آن افزایش می‌یابد و رانت شکل می‌گیرد. این رانت، فساد اداری را دامن می‌زند، مجوزهای طلایی می‌آفریند و انگیزه‌های تولید و نوآوری را می‌کشد. تولیدکننده واقعی، که باید بر پایه بهره‌وری و رقابت رشد کند، با دیوارهای دستوری مواجه می‌شود و از بازار کنار می‌رود. در نتیجه عرضه کالا کاهش می‌یابد و همان کالای یارانه‌ای، گران‌تر از قبل به مصرف‌کننده می‌رسد. از سوی دیگر، توزیع ناعادلانه یارانه‌ها خود مشکلی مضاعف است. دهک‌های ثروتمند، که مصرف بالاتری دارند، سهم بیشتری از یارانه کالاهای ارزان می‌برند، در حالی که دهک‌های پایین جامعه با مصرف محدود عملاً از این یارانه کمتر بهره‌مند می‌شوند. به بیان دیگر، سیاستی که قرار بود به عدالت کمک کند، خود به ابزار بازتولید نابرابری بدل می‌شود. در مورد ارز ترجیحی نیز بخش عمده منابع صرف سود واردکنندگان و واسطه‌ها می‌شود نه سفره مردم.

این سیاست علاوه بر ناکارآمدی اقتصادی به کسری بودجه و تورم دامن می‌زند. دولت برای حفظ نرخ ترجیحی ارز، ناچار به خرید ارز از بازار آزاد و پرداخت مابه‌التفاوت از منابع خود است؛ یعنی چاپ پول و افزایش نقدینگی. نتیجه نهایی، تورمی است که همه کالاهای گران‌تر می‌کند. در واقع، ارز ترجیحی نه‌تنها به کنترل قیمت‌ها کمک نکرده بلکه خود به عاملی برای افزایش تورم و ناپایداری اقتصادی تبدیل شده است.

در اقتصاد ایران، سیاست ارز ترجیحی دیگر نه ابزار حمایت از مردم بلکه دستگاه بازتولید رانت و تورم است؛ ماشینی که با هر بار روشن شدن از جیب دولت می‌سوزاند و از اعتماد مردم دود می‌سازد. این بازی تکراری یارانه و کنترل قیمتی هر بار با نامی تازه بازمی‌گردد و به نتیجه‌ای کهنه تمام می‌شود. فقیرتر شدن جامعه و چاق‌تر شدن دلالان. شاید وقت آن رسیده دولت به جای چرخاندن مداوم ملاقه در ته‌دیگ سوخته، آش را از نو بپزد.

و هند با همکاری گالری‌های بین‌المللی، بازار را پیش‌بینی و هدایت می‌کنند. دیپلماسی فرهنگی ایران نیز باید از حالت نمایشی خارج شده و به شریک تجاری برندهای خارجی تبدیل شود. در نهایت، تحول نیازمند اراده‌ای سیاستاری در سه سطح است. در سطح حاکمیت، بازنگری سیاست‌های کلان و تخصیص منابع به صادرات صنایع خلاق ضروری است. در سطح وزارتخانه‌ها، ایجاد نهادهای برندنگ ملی، تحقیقات بازار و سیاست‌های تقاضامحور باید اولویت یابد. در سطح بنگاه‌ها، ارتقای مهارت‌های بازاریابی دیجیتال، داستان‌سازی برند و زنجیره ارزش معکوس الزامی است.

راهبردهای عملی برای تحول

- ایجاد برندهای بین‌المللی در صنایع دستی، فرش و هنرهای تجسمی با تمرکز بر طراحی، بسته‌بندی و روایت فرهنگی برای بازارهای اروپا، آسیا و خلیج فارس.
- توسعه برندهای ملی در هنرهای کاربردی مشابه گالری‌های جهانی با تأکید بر تجربه منحصربه‌فرد مشتری.
- راه‌اندازی پلتفرم‌های DTC بومی برای صادرات مستقیم آثار هنری ایرانی.
- استقرار Creative Labs برای تلفیق فناوری، هوش مصنوعی و صنایع دستی سنتی.
- سرمایه‌گذاری در تحقیقات بازار هدف و نیازسنجی مشتریان خارجی.
- تقویت دیپلماسی فرهنگی با حضور هدفمند در هفته‌های طراحی جهانی و همکاری تجاری با برندهای خارجی.
- ایجاد صندوق‌های VC برای استارت‌آپ‌های صنایع خلاق با تمرکز بر صادرات دیجیتال.
- تأسیس ششو روم‌های دانمی در هاب‌های تجاری مانند دوبی، استانبول و شانگهای.
- اجرای برنامه شتابدهی صادرات با آموزش، منتورشیپ و اتصال به بازار.
- حمایت از خلق محتوای دیجیتال و همکاری با اینفلوئنسرهای جهانی برای داستان‌سازی فرهنگی.

(ters ابتدا نیاز مشتری را شناسایی سپس تولید را تنظیم می‌کنند. ایران نیازمند همین تغییر پارادایم است؛ نوآوری در سمت تقاضا نه صرفاً حمایت از عرضه.

دومین پیش‌نیاز، بازتعریف نقش دولت از مداخله‌گر به تسهیل‌گر است. ارسال مستقیم هنرمندان به نمایشگاه‌های بین‌المللی بدون بسته‌بندی استاندارد، قیمت‌گذاری رقابتی، روایت برند یا ارتباطات تجاری نه تنها اتلاف منابع است بلکه تجربه‌ای تلخ برای فعالان ایجاد می‌کند. دولت باید به جای حضور فیزیکی پر هزینه، بسترهای برندینگ ملی، پلتفرم‌های تجارت الکترونیک و مراکز تحقیقات بازار را ایجاد کند. مدل موفق ترکیه در فرش دستباف یا هند در منسوجات دستی نشان می‌دهد که دولت زمانی موفق است که به جای تولیدکننده، نقش کاتالیزور بازار را ایفا کند. سومین نیاز، پیوند صنایع دستی با فناوری و مدل‌های کسب‌وکار نوین است. در عصر دیجیتال، فروش از طریق پلتفرم‌های DTC (مستقیم به مصرف‌کننده) مانند Etsy یا Shopify بومی‌سازی شده، می‌تواند دسترسی به بازارهای جهانی را دموکراتیزه کند. اما این نیازمند سرمایه‌گذاری در مراکز طراحی نوآورانه (Creative Labs) است که صنایع دستی سنتی را با طراحی معاصر و فناوری تلفیق و محصولات هیبریدی صادرات‌محور خلق کنند. بدون این پیوند، هنرمندان در چرخه تولید سنتی محبوس می‌مانند و از رقابت جهانی عقب می‌افتند.

چهارمین پیش‌نیاز، نهادهی‌مسازی تحقیقات بازار و دیپلماسی فرهنگی صادرات‌محور است. شناخت سلیقه مشتریان در اروپا، آسیای شرقی یا کشورهای عربیزبان، پیش‌شرط هر استراتژی موفق است. ایران فاقد داده‌های به‌روز از روندهای جهانی طراحی، مواد اولیه محبوب یا کانال‌های توزیع است. در مقابل، چین با سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی برای تحلیل رفتار مصرف‌کننده

کیفیت پایین، قیمت بالا

وزارت ارتباطات می‌گوید

اپراتورها تصمیم دارند اینترنت را تا ۷۵درصد گران کنند



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

طبق گزارش‌های رسمی، مدیران عامل اپراتورهای تلفن همراه در نامه‌ای مشترک خواستار افزایش چشمگیر تعرفه اینترنت همراه (بیش از ۷۵ درصد) شده‌اند. در مقابل مسئولان رگولاتوری (وزارت ارتباطات) با تأکید بر شرایط دشوار معیشتی مردم اعلام کرده‌اند که موافقت با چنین افزایشی عملاً امکان‌پذیر نیست. حمید فتاحی، رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی درباره افزایش تعرفه‌های اینترنت اظهار کرد: تقاضای اپراتورهای ارتباطی برای افزایش تعرفه به واسطه موضوعاتی مانند افزایش هزینه در سال‌های اخیر دامن روی میز وزارت ارتباطات و سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی بوده است. او گفته که؛ در واقع به واسطه افزایش قابل توجه هزینه‌های اپراتورها و عمده درآمد آنها در زمینه خدماتی است که به کاربران ارائه می‌کنند، این درخواست به صورت دائم ارائه می‌شود. در این راستا اخیراً مکاتبه مشترکی را مدیران عامل اپراتورهای ارتباطی سیار ارسال کردند که در آن درخواست افزایش تعرفه‌های اینترنت به میزان بیش از ۷۵ درصد داشتند. فتاحی اعلام کرده که؛ جلسات کارشناسی با نمایندگان اپراتورهای ارتباطی در سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی برگزار و مستندات و مدارک از سوی آنها ارائه شده که تصمیم نهایی در این زمینه گرفته می‌شود. لازم است با توجه به شرایط ویژه معیشت مردم و نیازی که اپراتورها برای نگه داشتن این شبکه ارتباطی دارند یک تصمیم درست گرفته شود.

ایران‌شهر

نشست تخت جمشید

ضلع غربی کاخ بزرگ آپادانا به زودی ترک خواهد خورد

گروه اجتماعی: مطالعات جدید نشان می‌دهد، دشت مرودشت - محل قرارگیری تخت‌جمشید- به‌شدت در حال نشست زمین است. بررسی‌های راداری و هوافضای دانشگاه شیراز گزارش کرده‌اند که برخی نقاط این دشت بین ۲ تا بیش از ۲۰ سانتی‌متر فرونشست شده است. این رقم فراتر از حد طبیعی و تاب‌آوری زمین محسوب می‌شود و خطر بزرگی برای آثار میراث جهانی مانند تخت‌جمشید و ناحیه‌های تاریخی همجوار ایجاد کرده است. کارشناسان آب‌شناسی و زمین‌شناسی هشدار می‌دهند برداشت بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی و فرو رفتن سطح آب‌خوان، علت اصلی این پدیده غیرطبیعی هستند. بر اساس گزارش‌های محیط‌زیست، کاهش بارندگی و خشک‌سالی مزمن در فارس باعث شده، کشاورزان و بهره‌برداران به حفر هزاران چاه عمیق روی بیاورند که به مرور توده‌های آبرفتی را «خالی» کرده و زمین را بدون تکیه‌گاه نگه می‌دارند. در نتیجه طبق گفته مقامات سازمان زمین‌شناسی این فرونشست یک پدیده دست‌ساز و ناشی از «سوءمدیریت آب» است؛ برخلاف زلزله یا خشکسالی که طبیعی‌اند، فرونشست تنها در سازندهای آبرفتی روی می‌دهد و با مداخله انسانی مهار خواهد شد.

بحران آب

بارش‌های کمتر در سال‌های اخیر منجر به کاهش حقباه رودخانه‌ها و خشک شدن تالاب‌های منطقه شده و کشاورزان را به حفر چاه‌های بیشتر واداشته است. تخلیه حجم زیادی از آب آبرفتی از عمق ۳۰۰ تا ۴۰۰ متری زمین موجب بیلان منفی آب (برداشت بیشتر از تزریق) شده است. به اضافه اینکه پهنه دشت مرودشت علاوه بر متدوال شدن و عمیق شدن فرونشست در برخی نواحی حدود ۲۱ تا ۳۰ سانتی‌متر در دو سال اخیر فروکش کرده است. به بیان دیگر در فاصله زمانی کوتاهی، تغییر سطح زیادی رخ داده که کارشناسان آن را «ناراحت‌کننده» می‌دانند. همزمان وجود چند هزار چاه فاقد مجوز و کنترلی در اطراف

وضع وخیم اقتصادی مردم

از دید اقتصادی، افزایش تعرفه اینترنت ارتباط مستقیمی با تورم، هزینه‌های اپراتورها و توان خرید کاربران دارد. آمارهای رسمی نشان می‌دهد، نرخ تورم سالانه در مهر حدود ۳۸.۹ درصد بوده است. در این شرایط، افزایش ۷۵ درصدی بهای اینترنت بیش از دو برابر نرخ تورم فعلی خواهد بود و فشار مالی قابل توجهی بر خانوارها وارد می‌کند. از سوی دیگر اپراتورها می‌گویند هزینه‌های آنها در سال‌های اخیر به‌طور قابل ملاحظه‌ای بالا رفته است؛ نوسانات شدید نرخ ارز و گرانی تجهیزات و خدمات انتقال داده، مخارج نگهداری و توسعه شبکه را افزایش داده است. با این همه، درآمد اصلی اپراتورها همچنان از دریافت حق اشتراک و بسته‌های اینترنت کاربران تأمین می‌شود و افزایش زیاد قیمت ممکن است به کاهش تعداد مشترکان و درآمد در بلندمدت منجر شود. در نتیجه، تصمیم درباره افزایش تعرفه باید تعادلی میان تأمین هزینه‌های اپراتورها و حفاظت از قدرت خرید مردم برقرار کند.

بهره‌وری به جای قیمت

کیفیت شبکه و سرعت اینترنت در ارزیابی افزایش تعرفه نقش کلیدی دارند. متوسط سرعت دانلود اینترنت موبایل در ایران حدود ۳۷.۳۶ مگابیت بر ثانیه است، رقمی که در مقایسه با بسیاری کشورهای پیشرفته قابل توجه نیست. دولت ایران اعلام کرده که پوشش فیبر نوری تاکنون به حدود ۷.۲ میلیون خانوار رسیده است اما هنوز بخش بزرگی از جمعیت از فناوری‌های قدیمی‌تر یا اتصال ضعیف استفاده می‌کنند. اگر افزایش تعرفه صرفاً برای سرمایه‌گذاری در بهبود زیرساخت و ارتقای کیفیت خدمات باشد تا حدودی قابل قبول خواهد بود؛ اما در شرایط فعلی که بخش مهمی از شبکه

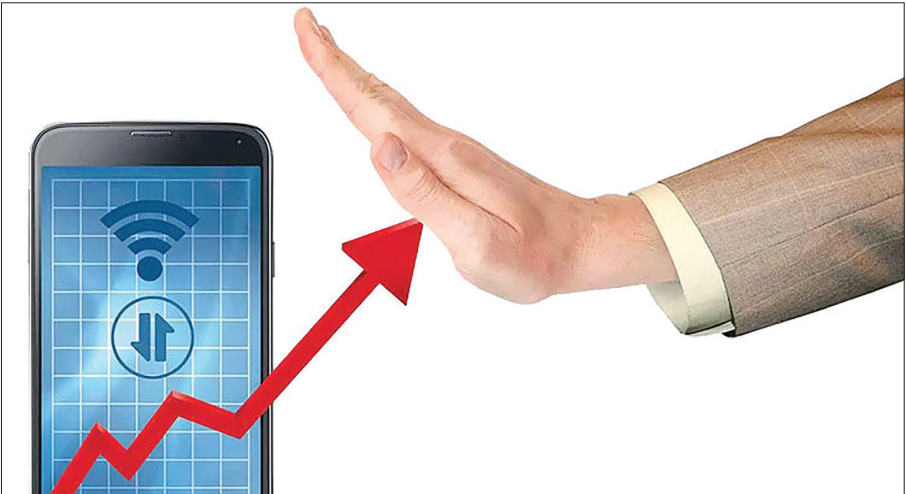
نیازمند توسعه است، منطقی است که شرکت‌ها به جای بالا بردن تعرفه‌ها، بهره‌وری را افزایش داده و با استفاده از تکنولوژی‌های جدید (مثلاً بهره‌گیری بیشتر از ۵G یا بهینه‌سازی مصرف انرژی) هزینه‌ها را کاهش دهند. اینترنت در زندگی روزمره شهروندان نقش حیاتی دارد؛ از ارتباطات و آموزش گرفته تا کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی. افزایش نرخ اینترنت می‌تواند، دسترسی گروه‌های کم‌درآمد را محدود کرده و نارضایتی اجتماعی به همراه داشته باشد. بر اساس گزارش نشریات تخصصی در سال‌های اخیر روند جهانی قیمت اینترنت کاملاً معکوس ایرانی‌ها بوده است: بر پایه داده‌های Cable.co.uk میانگین جهانی قیمت هر گیگابایت اینترنت از حدود ۸.۱۸ دلار (سال ۲۰۱۹) به ۲.۶۱ دلار (سال ۲۰۲۳) کاهش یافته است. همچنین تحلیلگران تأکید می‌کنند که افزایش ناگهانی تعرفه اینترنت، باعث اعتراض به‌ویژه در میان اقشار کم‌درآمد و کسب‌وکارهای آنلاین شده است. در بسیاری کشورها دسترسی آسان و ارزان به اینترنت به‌عنوان زیرساخت توسعه در نظر گرفته می‌شود تا اقتصاد دیجیتال رونق گیرد. در این نگاه، افزایش ۷۵ درصدی تعرفه اینترنت در کشوری با تورم بالا و رفاه ضعیف از منظر عدالت اجتماعی و توسعه شهری محل تردید است.

مقایسه منطقه‌ای و جهانی

نرخ کنونی اینترنت در ایران، با وجود نارضایتی‌ها، در قیاس با برخی کشورهای همسایه و منطقه چندان پایین نیست. به‌عنوان

کاخ بزرگ آپادانا ترک خواهد خورد. در ارتباط با این نگرانی‌ها، مدیران پایگاه باستانی تخت‌جمشید اعلام کرده‌اند که مطالعات هنوز در حال تکمیل است و انتظار می‌رود، نتایج دقیق به کمک بهپادها و سنجش از دور تا پایان پاییز مشخص شود. تهدیدات اقلیمی و زیست‌محیطی در استان فارس شامل تغییرات اقلیمی و خشک‌سالی است که موجب افزایش دما، کاهش سطح آب زیرزمینی و باران‌های اسیدی می‌شود. این تغییرات به‌طور مستقیم بر آثار تاریخی ایران تأثیر گذاشته و تهدیدات جدیدی را برای آنها به‌وجود آورده است. کاهش بارش‌ها باعث خشک شدن تالاب‌ها و نابودی پوشش گیاهی در دشت مرودشت شده است. این مساله نه تنها تغذیه سفره‌های زیرزمینی را به خطر انداخته بلکه موجب فرسایش خاک و ایجاد گرد و غبار شده که سازه‌های باستانی را در معرض سایش و نمک‌زدگی قرار می‌دهد. همچنین آتش‌سوزی‌های گسترده در جنگل‌ها و مراتع استان فارس طی سال‌های اخیر افزایش یافته که منجر به تخریب جنگل‌های زاگرس و کاهش شدید ظرفیت آبی خاک شده است. این جنگل‌ها حدود ۴۰ درصد از ذخایر آب کشور را تأمین می‌کنند و نابودی آنها پیامدهای فاجعه‌باری برای آب‌های زیرزمینی به دنبال خواهد داشت. از دیگر پیامدهای تغییر اقلیم در این منطقه، وقوع سیلاب‌های ناگهانی و وزش بادهای نمکی است که با فرسایش بی‌رویه خاک ارتباط دارد و می‌تواند، باعث ایجاد ترک‌ها و فرورفتگی‌های کوچک مقیاس در بناهای باستانی به‌ویژه در مناطق با انسجام ساختاری پایین شود. علاوه بر این ساخت‌وسازهای غیرقانونی در حریم تخت‌جمشید مانند شهرک مهدیه در مرودشت، بدون رعایت ضوابط میراث فرهنگی، آسیب‌های جدی به بافت تاریخی وارد کرده است. فعالان می‌گویند که باید قوانین میراث به‌طور سریع و مؤثر در این نواحی اعمال شود تا توسعه شهرک‌ها از نفوذ جدی در این بافت تاریخی جلوگیری کند.

روشن است که شرایط فعلی، حاصل دهه‌ها بهره‌برداری ناپایدار از منابع طبیعی است. اگر سازمان‌های متولی اقدامات جدی - از مدیریت آب تا حفاظت شهری - را در دستورکار قرار ندهند، تخت‌جمشید که مظهر تمدن دیرینه پارسی است در معرض آسیب‌های جبران‌ناپذیر قرار خواهد گرفت. همزمان حمایت جهانی (UNESCO) و سازمان‌های بین‌المللی) و آگاهی عمومی می‌تواند، قدرت چانه‌زنی برای اجرای اصلاحات لازم را تقویت کند.



نمونه داده‌های جهانی نشان می‌دهد، قیمت هر گیگابایت اینترنت در عراق حدود ۱.۰۷ دلار و در عربستان سعودی حدود ۱.۴۹ دلار است در حالی که رقم تقریبی برای ایران حدود ۱.۵۰ دلار می‌شود. از سوی دیگر، کشورهای ثروتمند خلیج فارس مانند قطر (۲.۴۰ دلار) و امارات متحده عربی (۴.۶۱ دلار) تعرفه‌های بالاتری دارند. علاوه بر این بررسی‌های مستقل نشان داده است که متوسط هزینه اینترنت ایران طی سال‌های اخیر در بین کشورهای جهان در میانه قرار دارد. بنابراین مقایسه صرف قیمتی با کشورهای همسایه نشان می‌دهد، نرخ فعلی ایران نه ارزان‌ترین است و نه به‌شدت گران‌تر؛ لذا تغییرات شدید قیمت باید مبتنی بر بررسی‌های کارشناسی دقیق انجام شود. با توجه به همه جوانب مطرح شده، افزایش ناگهانی ۷۵ درصدی تعرفه اینترنت در ایران منطقی به نظر نمی‌رسد. رکود اقتصادی، تورم بالا و محدودیت معیشتی مردم در کنار کیفیت متوسط شبکه ایجاب می‌کند هر تصمیمی درباره تعرفه‌ها با احتیاط و تدریجی باشد. در عین حال دولت و رگولاتوری نیز به نیاز اپراتورها برای سرمایه‌گذاری و حفظ شبکه واقف‌اند. بهترین راه‌حل جست‌وجوی افزایش‌های معقول و مشروط (مثلاً بهبود کیفیت سرویس یا اولویت حمایت از گروه‌های کم‌درآمد) است. به این ترتیب می‌توان ضمن تقویت زیرساخت ارتباطی از تحمیل فشار بیش از حد بر کاربران جلوگیری و تصمیم نهایی را در جلسات کارشناسی نهایی کرد.

گزارش ویژه

نقش آفرینی همراه اول در کاهش ناترازی انرژی با تکیه بر فناوری و داده

در رویداد تراکش ایران، مدیران همراه اول در نشست «مثلث ناترازی‌ها، نوآوری‌ها و نو فناوری‌ها» بر نقش فناوری و داده در کاهش ناترازی انرژی و توسعه راهکارهای هوشمند تأکید کردند. به گزارش مرکز ارتباطات، توسعه برند و رویدادهای بین‌المللی همراه اول، نشست تخصصی «مثلث ناترازی‌ها، نوآوری‌ها و نو فناوری‌ها» در جریان برگزاری یازدهمین دوره «رویداد تراکش ایران» روز سه‌شنبه ۶ آبان ۱۴۰۴ با حضور جعفر بلوک‌آذری معاون راهکارهای هوشمند همراه اول، حسین حجتی‌زاده معاون کسب‌وکار سازمانی همراه اول، محمدصادق واعظی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری توسعه نور دنا و امیر دودابی‌نژاد معاون سرمایه‌گذاری و تنظیم مقررات ساتبا برگزار شد. در ابتدای نشست، جعفر بلوک‌آذری به تقسیم ساختاری همراه اول به دو بخش «تالکو» و «تک‌کو» اشاره و نقش این ساختار در توسعه خدمات و راهکارهای هوشمند را تشریح کرد. وی به فعالیت‌های همراه اول در پوشش «با انرژی» پرداخت و تشریح کرد که این پروژه مشترک با وزارت نیرو بر پایه تحلیل داده و شناخت رفتار مشترکان شکل گرفت. اپراتور اول تلفن همراه کشور در آن پروژه که با موفقیت به سرانجام رسید، توانست زمینه مدیریت بهینه مصرف برق را با اقدامات مختلف و بیشتر در حوزه فرهنگ‌سازی ممکن کند. آن پروژه نشان داد که همکاری صنایع با اپراتورها تا چه اندازه می‌تواند در کاهش ناترازی‌ها مفید واقع شود. حسین حجتی‌زاده نیز در توضیح نقش صنعت ICT در مدیریت مصرف انرژی به «کارکرد سیستم‌های هوشمند انرژی»، «هوش مصنوعی در خنک‌سازی» و اجرای راهکار (Sleep Cell) در همراه اول اشاره کرد و گفت این اقدامات توانسته ۲۰ تا ۳۰ درصد مصرف انرژی را در این اپراتور کاهش دهد. وی همچنین توضیح داد که توسعه بانکداری الکترونیک و تراکش‌های «NFC» می‌تواند میلیون‌ها تراکش را بهینه مدیریت کند؛ محمدصادق واعظی هم در این نشست درباره جذابیت‌های سرمایه‌گذاری در صنعت نیروگاه‌های خورشیدی با وجود ناترازی برق در کشور و بازار پرتقاضای برق اشاره و اضافه کرد که ترکیب تولید برق در حال تغییر است.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۹۹

یک‌شنبه ۱۴ اسفند

دیدار با مدیران کمیته امداد امام

مدیران کمیته امداد امام آمدند. آقایان [حبیب‌الله] عسکراولادی و [سیدرضا] نیری گزارش دادند و گفتند، ظرفیت کمیته برای ایجاد اشتغال خالی است و دولت اگر به جای دادن اعتبارات اشتغال به ارگان‌هایی که قادر به جذب آن نیستند به کمیته می‌داد، نتایج بهتری داشت. گفتند، با مدیریت خوب شما، مجمع تشخیص مصلحت، کمیته امداد را از يك بحران به خاطر استانی شدن اعتباراتش در بودجه نجات داد. من هم صحبت مفصلی دربارهٔ خدمات ۳۵گانه کمیته داشتم و قدردانی کردم و خواستم در اجرای طرح فقرزدایی که بنیاست دولت به مجلس برود، فعال باشند و راه اصلی فقرزدایی را رونق اقتصادی و سازندگی و سرمایه‌گذاری و فعال کردن بخش خصوصی و ایجاد اشتغال سپس بیمه بیکاری خواندم.

آقای جهانگیر الماسی، کارگردان سینما و تئاتر و بازیگر و نویسنده آمد و شرحی از خدمات هنری‌اش داد و خواست که برای پیاده کردن آرمان‌های هنری‌اش برای انقلاب و ایران کمک کنم. آقای عباس ملکی [از دفتر مشاورت رهبری در امور بین‌الملل] آمد و استمداد کرد برای تهیه مطالبی در اقتصاد به منظور رونق بخشیدن به اقتصاد کشور که می‌خواهد برای اظهارنظر در اختیار [دایی‌اش]، آقای [محمد] فاضل لنکرانی [از مراجع تقلید] بگذارد. از کم نتیجه بودن سیاست خارجی دولت آقای [سیدمحمد] خاتمی گفت به خصوص در آسیای میانه، قفقاز و خلیج فارس و گفت، آنچه در جنوب داریم، محصول سیاست و عمل شما در حل مشکل روابط با عربستان سعودی است. گفت، بنیاست جلسه‌ای از رؤسای‌جمهور فعلی و سابق ترکیه در ترکیه تشکیل شود و می‌خواهند از شما دعوت کنند. گفتم، پس از رسیدن دعوت، نظر می‌دهم.

عصر آقای طه هاشمی، [مدیرمسئول روزنامه انتخاب] آمد. دربارهٔ طرح مسألهٔ نواندیشی دینی توضیحات داد که اخیراً روزنامه انتخاب طرح کرده است و باعث خشم بخشی از جناح راست شده و طرفداران آقای [محمدتقی] مصباح [یزدی] در قم علیه او تظاهرات کرده‌اند. گفت، این يك اقدام فکری است و نه سیاسی و عملی؛ از فشار بیشتر نگران است. مشورت کرد؛ گفتم، توضیح بدهد که این را برای کل طرفداران انقلاب اسلامی گفته و نه برای جدا کردن بخشی به عنوان نواندیشی. دربارهٔ اوضاع سیاسی و انتخابات، مذاکره شد.

[آقایان کسایان، دزاشیب و تاجیک] سه نفر از جانبازان قطع نخاعی آمدند که در کار اقتصادی‌شان شکست خورده‌اند. استمداد کردند؛ به بنیاد مستضعفان نوشتم که کمک‌شان کنند.

امروز، دادگاه آقایان [مصطفی] تاج‌زاده، معاون سیاسی وزیر کشور و [آیت‌الله] آزرمی، فرماندار تهران را به جرم تخلف در انتخابات تهران، محکوم کرده و باعث خشم چپ‌ها شده است. مطرح شده که آقای [عبدالواحد] موسوی‌لاری، [وزیرکشور] هم باید در دادگاه ویژه روحانیت جواب بدهد. مبادله نامه‌ها و بیانیه‌های تند بین مجلسیان و قوه قضایه هم ادامه دارد. آقای [عباس] ملکسی در صحبت‌هایش گفت که امروز عقلای جامعه به بطلان سمبایشی‌های چپ‌ها علیه شما پی برده‌اند و می‌گویند، فلانی در این همه تبلیغات منفی سالم بیرون آمد و تبدیل به شخصی روین‌تن شده است.

دوشنبه ۱۵ اسفند

انتقاد هادی غفاری از دوم‌خردادی‌ها

آقای هادی غفاری، [عضو شورای مرکزی مجمع نیروهای خط امام] آمد. مقداری از جناح چپ و دوم‌خردادی‌ها انتقاد کرد و گفت، اخیراً کتاب خاطرات [= عبور از بحران] شما را خوانده‌ام و کلی برای وضع موجود تأسف می‌خورم. برای مراسم ازدواج پسرش دعوت کرد.

علیرضا گوهری

روزنامه‌نگار

یک‌کصد و دو سال پیش امپراتوری عثمانی در چنین روزی فرو ریخت. در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ در حالی که جهان همچنان در حال سر و سامان دادن به بقایای ویرانه‌های جنگ بزرگ بود، یک امپراتوری ۶۰۰ ساله، نه با ضرب شمشیر بلکه با امضای یک قانون اساسی رسماً به بایگانی تاریخ پیوست. در آن روز در ساختمان سنگی مجلس ملی کبیر در آنکارا با اعلام مصطفی کمال آتاتورک، شکل حکومت از سلطنت مطلقه به نظام جمهوری تغییر یافت و «جمهوری ترکیه» جایگزین امپراتوری عثمانی شد؛ امپراتوری‌ای که زمانی تا دیوارهای وین پیش رفته بود و سواحل یمن، طرابلس و بالکان را در مشت داشت حالا در نقشه‌های جهان به کشوری فشرده در قلب آناتولی بدل شده بود. صدای فرو ریختن آن فقط در استانبول شنیده نشد؛ پژواکش تا دمشق، قاهره، بلگراد و بیت‌المقدس رفت.

پایان امپراتوری عثمانی که گاهی «امرد بیمار اروپا» خوانده می‌شد صرفاً یک تغییر حاکمیت نبود؛ بلکه مرگ پارادایم امپراتوری بود. مرگ سلطان به معنای مرگ آخرین بازمانده از ساختار جهان‌شمولی بود که قدرت را از آسمان و میراث سلجوقی می‌گرفت و آن را به صورت عمودی از بالا به پایین توزیع می‌کرد.

فروپاشی عثمانی که با شکست در جنگ جهانی اول و اشغال بخش‌هایی از آناتولی تسریع شد، نشان داد که نظام‌های سلسله مراتبی سنتی در برابر فشار هم‌زمان صنعتی‌سازی، ملی‌گرایی و دیپلماسی قدرت‌های مدرن غرب، چقدر شکننده شده‌اند. میراث عثمانی، میراثی از یک ساختار چندملیتی بود که با وجود تلاش‌های اصلاح‌طلبان عثمانی نتوانست با سرعت ظهور دولت-ملت‌های اروپایی رقابت کند. جمهوری ترکیه که توسط مصطفی کمال آتاتورک در خاکستر این امپراتوری بنا نهاده شد، اولین قربانی این تحول پارادایمیک بود؛ اعلامیه‌ای مبنی بر اینکه عصر حکومت موروثی و گسترده به پایان رسیده است.

اما عثمانی چگونه به چنین ارتفاعی رسید؟ داستان‌ش مانند بسیاری از قدرت‌های بزرگ تاریخ با شمشیر آغاز شد. در سده چهاردهم میلادی، طایفه‌ای ترکمن به رهبری عثمان غازی در

حاشیه مرزهای بیزانس قد برافراشت. نیروهای تازه‌نفس او با بهره‌گیری از فرصت‌های سیاسی و حتی مذهبی، پایه‌های یک دولت تازه را بنا کردند. در طول قرون بعد، امپراتوری عثمانی به یکی از پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین حکومت‌های جهان تبدیل شد؛ با دیوان‌سالاری منظم، ارتشی حرفه‌ای، شبکه‌ای از مالیات‌گیری و مشروعیت مذهبی. عثمانی‌ها، خود را وارث روم می‌خواندند و آن‌قدر پیش رفتند که شهرهای بزرگی چون قسطنطنیه، بغداد و دمشق را تحت نفوذ خود درآوردند.

این صعود طولانی اما پایدار، محصول توازن میان نیروی نظامی، دیوان‌سالاری پیچیده و بهره‌گیری از فرصت‌های ژئوپلیتیکی بود. اما همان ویژگی‌هایی که روزی باعث شکوفایی عثمانی شده بودند به مرور زمان ابزار سقوط آن شدند. در قرن نوزدهم، اروپا وارد دوران صنعت، علم و استعمار مدرن شد. شبکه‌های تجاری جهانی، تولید صنعتی و دیوان‌سالاری مدرن، قدرت‌های سنتی را به چالش کشیدند. عثمانی‌ها با نظامی کهنه و دستگاه دیوانی سنگین به تدریج از رقابت عقب ماندند. ارتش‌های بی‌چسری که روزی ستون فقرات قدرت بودند حالا پیر و ناکارآمد شده بودند و دیوان‌سالاری مرکزی، انعطاف‌پذیری لازم برای اصلاحات گسترده را نداشت.

ورود به قرن بیستم با ظهور ملی‌گرایی و جنگ‌های جهانی، خط پایان را نزدیک‌تر کرد. عثمانی با پیوستن به محور آلمان در جنگ جهانی اول همه چیز را به یک قمار آخر سپرد. شکست در این جنگ، نقشه‌اش را پاره پاره کرد؛ متفقین استانبول را اشغال کردند و قراردادهای تقسیم قلمرو، سرزمین‌های گسترده‌ای را از دست امپراتوری گرفت. اما آنچه باقی ماند، شورش ملی به رهبری آتاتورک بود که تصمیم گرفت، امپراتوری را دفن کند و ملتی نو از دل خاکسترش بسازد.

آتاتورک نه تنها میراث عثمانی را نقد کرد بلکه مفهوم دولت را بازتعریف نمود. او به جای تکیه بر مشروعیت سلطنتی، ساختارهای مدرن قانون اساسی و حکومت پارلمانی را جایگزین کرد. با شعار «ملت، قانون، دولت»، بنیان جمهوری ترکیه گذاشته شد و دیگر هیچ قدرت سنتی، حتی بزرگ‌ترین خاندان‌ها و ثروتمندان محلی، قادر نبودند تعیین‌کننده سیاست‌های ملی باشند.

اما سقوط عثمانی، تنها پایان یک حکومت نبود؛ پایان یک عصر بود. عصری که قدرت بر خاک، جمعیت و مالیات استوار بود. امپراتوری‌های کهن با لشکرکشی و

مرگ سلطان‌ها و بازتولید قدرت‌ها

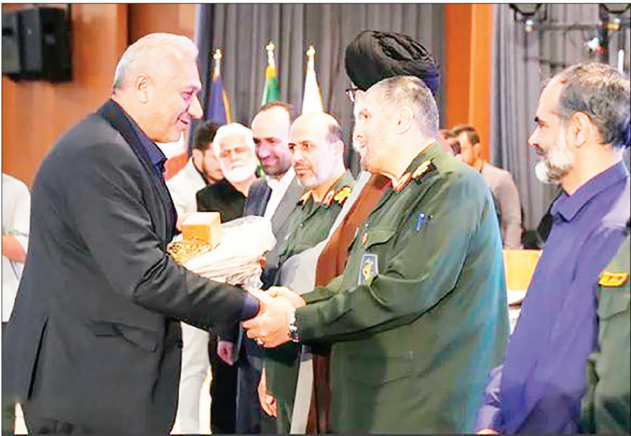
به بهانه سالگرد سقوط امپراتوری عثمانی به این مساله پرداخته‌ایم که امپراتوری‌های جدید چگونه متولد می‌شوند؟

پرچم فتح می‌کردند؛ امپراتوری‌های جدید با بانک، نفت و داده. دولت-ملت‌های مدرن دیگر بر زمین و پادشاهی کنترل نمی‌شوند بلکه با شبکه‌ها، اقتصاد جهانی و تکنولوژی شکل می‌گیرند. واشنگتن و پکن، امروزه همان کاری را می‌کنند که روزی قسطنطنیه و لندن می‌کردند اما با ابزارهای نامری‌تر و پیچیده‌تر؛ امپراتوری مدرن، خاک نمی‌خواهد، شبکه می‌خواهد. نه توپخانه که الگوریتم و شبکه اجتماعی می‌خواهد.

روایت فروپاشی عثمانی درس‌های مهمی درباره قدرت و انعطاف‌پذیری می‌دهد. سیاست‌های ناکارآمد، فساد ساختاری و تمرکز قدرت، می‌توانند حتی قدرتمندترین حکومت‌ها را به زانو درآورند. منابع انسانی و مالی اگر به جای توسعه به رانت و تمرکز قدرت صرف شوند، نتیجه‌ای جز فروپاشی ندارند. تاریخ عثمانی، همانند بسیاری از امپراتوری‌های دیگر، نشان می‌دهد که دوام قدرت، تنها با سازگاری با تغییرات اقتصادی، تکنولوژیک و اجتماعی امکان‌پذیر است.

امروزه در سراسر جهان، امپراتوری‌های مدرن نه با ارتش بلکه با نفوذ فرهنگی، اقتصادی و فناوریانه عمل می‌کنند. شرکت‌های چندملیتی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شبکه‌های فناوری همان نقش امپراتوران گذشته را بازی می‌کنند؛ اما بدون پرچم، بدون سلطان و بدون لشکر سنتی. قدرت در دست کسانی است که قدرت مالی و اطلاعات را کنترل می‌کنند نه کسانی که زمین‌ها و شهرها را فتح کرده‌اند. این تحول، جهان جدید را وادار به بازنگری در مفهوم امپراتوری می‌کند. اگرچه عثمانی از صحنه سیاست جهانی کنار رفت اما درس‌هایش هنوز زنده‌اند. امپراتوری‌های مدرن امروزی متکی بر شبکه‌های مختلف مالی و سیاسی و حتی مجازی اگر انعطاف‌پذیر نباشند، سرنوشتی مشابه خواهند داشت. تاریخ نشان می‌دهد که حتی امپراتوری‌ای که شش قرن پابرجا مانده در برابر تغییرات اجتماعی و تکنولوژیک آسیب‌پذیر است. روزگار عثمانی به پایان رسید اما پرسش بزرگ‌تر همچنان مطرح است. آیا بشر واقعاً از چرخه امپراتوری رها شده، یا فقط تاج را از سر پادشاهان برداشته و بر سر شرکت‌ها و دولت‌های فناور گذاشته است؟ ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ به ما یادآوری می‌کند که امپراتوری‌ها پایان می‌یابند اما قدرت، همواره راهی برای بازتعریف خود پیدا می‌کند؛ گاهی در لباس ملی‌گرایی، گاهی در پوشش تکنولوژی و گاهی در شبکه‌های نامریی جهانی.

شهر دار محمدشهر، برگزیده ملی «نشان فردوس» شدند



با عمل خالصانه خود، معنای واقعی مدیریت جهادی را تبیین می‌کنند.

شهردار محمدشهر در خصوص حمل و نقل عمومی گفت: این موضوع تحت نظارت شهرداری کرج است ما اختیاری در این زمینه نداریم شهردار محمدشهر در واکنش به مشکلات حمل و نقل ایستگاه مترو این شهر گفت: شهرداری محمدشهر دستگاه‌های حمل و نقل عمومی ندارد و تنها با همکاری شهرداری کرج تعدادی اتوبوس به شهروندان ارائه می‌شود. مهرداد حسن‌زاده شهردار محمدشهر اظهار کرد: شهرداری محمدشهر مسئولیت مستقیمی در زمینه حمل و نقل عمومی ندارد و این امر تحت نظارت شهرداری کرج است. وی افزود: حمل و نقل بار و مسافر در این منطقه از طریق توافق‌نامه‌ای که بین شهرداری کرج و شهرداری محمدشهر صورت گرفته، انجام می‌شود. حسن‌زاده عنوان کرد: طبق این توافق‌نامه شهرداری کرج روزانه تعدادی اتوبوس را به محمدشهر اختصاص می‌دهد تا نیاز شهروندان برطرف شود اما این تعداد بستگی به نیاز روزانه مردم دارد.

وی در پایان گفت: مشکلات حمل و نقل عمومی در محمدشهر نیازمند هماهنگی و همکاری بیشتر بین شهرداری‌های محمدشهر و کرج است.

در آیین تجلیل از فعالان برتر جهادی کشور که با حضور مقامات ارشد استانی و ملی برگزار شد، نوید اسکندری بخشدار مرکزی پلنگ‌آباد و شهردار محمدشهر، به‌دلیل عملکرد درخشان در حوزه جهاد سازندگی و محرومیت‌زدایی، موفق به دریافت نشان ملی فردوس شدند.

آیین تجلیل از فعالان برتر جهادی کشور در قالب جشنواره مردمی نشان فردوس البرز با حضور جمعی از مسئولان ارشد استانی و ملی، نخبگان جهادی، گروه‌های مردمی و فعالان عرصه خدمت در کرج برگزار شد. در این مراسم، دو تن از مدیران جهادگر استان البرز، نوید اسکندری بخشدار مرکزی پلنگ‌آباد و مهرداد حسن‌زاده شهردار محمدشهر، به‌عنوان منتخبین ملی نشان فردوس معرفی و مورد تقدیر قرار گرفتند. هیأت داوران این جشنواره، با بررسی عملکرد مدیران جهادی سراسر کشور، اقدامات نوآورانه، اثرگذار و مردمی شهردار محمدشهر را در بالاترین سطح مدیریتی و اجرایی کشور ارزیابی کرده است. در ارزیابی داوران، شاخص‌هایی نظیر بسیج ظرفیت‌های مردمی، مدیریت جهادی، سرعت در اجرای پروژه‌های عمرانی، توجه به مناطق محروم، و کارنامه درخشان در محرومیت‌زدایی محلات کم‌برخوردار از مهم‌ترین دلایل انتخاب این مدیران عنوان شده است.

در محمدشهر، مدیریت میدانی و رویکرد تحول‌گرایانه‌ی شهردار، سبب افزایش مشارکت مردمی در پروژه‌های شهری، توسعه فضاهای عمومی، ارتقای وضعیت خدمات شهری و رسیدگی به مناطق کم‌برخوردار شده است. اعطای «نشان فردوس» از سوی جشنواره مردمی البرز، تلاشی در جهت معرفی و الگوسازی از مدیران جهادگر و مردمی است تا فرهنگ خدمت‌رسانی بی‌منت، روحیه خودباوری و جهاد در عمل در میان مدیران کشور نهادینه شود. این جشنواره که با شعار «خدمت خالصانه، جهاد بی‌منت» برگزار شد، به همت جمعی از فعالان مردمی و با پشتیبانی نهادهای فرهنگی و اجتماعی استان البرز شکل گرفت و مورد استقبال گسترده فعالان جهادی از سراسر کشور قرار گرفت.

در پایان این مراسم، با اهدای لوح افتخار و تندیس ویژه «نشان فردوس»، از نوید اسکندری و مهرداد حسن‌زاده به‌عنوان دو چهره شاخص جهادی در عرصه مدیریت شهری و روستایی تقدیر به عمل آمد.

جمع‌بندی ارزشی:

«نشان فردوس» یادآور آرمان‌های امام خمینی (ره) و شهیدان والا‌مقام جهاد سازندگی است؛ مدیرانی که با روحیه‌ای مومنانه، انقلابی و متعهد در خط مقدم خدمت به مردم ایستاده‌اند و